

انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام عدد (۱۶۴)

رجعت سومین روز از روزهای بزرگ خدا

پاسخ‌های سید احمد الحسن علیه السلام

تنظیم: علاء السالم

ترجمه: یوسف الأنصار، کوثر انصاری

چاپ اول

۱۴۳۴ هـ.ق - ۲۰۱۳ م

مهر ماه ۱۳۹۲ هجری شمسی

جهت اطلاعات بیشتر در مورد دعوت مبارک سید احمد الحسن عليه السلام

لطفاً از وبسایت ما بازدید فرمایید:

<http://almahdyoon.co>

<http://mahdyeen.org>

<http://mahdyeen.org/ir>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليما

زمينه سازى . . .

سيد احمد الحسن عليه السلام در بيان رجعت فرمودند: (رجعت، نامش دال بر آن است خدا به تو توفيق دهد، آن رجعت است به معنای بازگشت، قومی که مُردند باز می گردند، امتحانی که به پایان رسيد تکرار می شود، روزهایی که گذشتند باز خواهند گشت).

شکی نیست که سخن در باب رجعت و بیان ویژگی هایش و آنچه که با آن در ارتباط است، از بزرگترین امور می باشند که پاسخگویی به آن تنها در وسع و توان خلفای الهی بطور تمام و کمال می باشد، همانطور که از ویژگی های بارز آنان، پاسخگویی به امور عظیم مرتبط به دین و عوالم خلقت است.

و بر این اساس روایت شده است که تبیان کننده آنها، قائم عليه السلام می باشد. زراره گوید: (از ابا عبد الله عليه السلام در مورد این امور عظیم از رجعت و مشابه آن، پرسیدم. حضرت فرمود: آن چیزی که درباره آن می پرسید، هنوز زمانش فرا نرسیده است و خداوند عز و جل می فرماید: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلَمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ﴾،^(۱) (بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نداشتند)).^(۲)

و در پی این روایت از سيد احمد الحسن عليه السلام پرسیده شد: آیا بیان آن تنها مخصوص قائم عليه السلام است؟

فرمودند: (آری).

و بعد از آن، علماء می بایست تنها به گفته (نمی دایم) درباره آنچه که با رجعت در ارتباط است بسنده می کردند، اما آنان با تأسف فراوان در بیان چیزی که مختص قائم عليه السلام است، راه

۱. یونس: ۳۹.

۲. مختصر بصائر الدرجات: ص ۲۴.

نادرستی را در پیش گرفتند.

طبق کلام آل محمد (علیهم السلام)، عالم رجعت دنیایی دیگر و دارای قوانین و نظام مخصوص به خود است، و شایسته نیست - اینگونه - مفاهیم مذکور در برخی روایات رجعت را بر معانی متعارف بر این عالم جسمانی تحمیل کرده و مطابقت داد، و چه بسا بسیاری از علماء در جهل نسبت به این حقیقت، دچار بیراهه رفتن و مغالطه شده و ارزش حدیث در باب رجعت را تباه کرده اند.

بلکه بعضی از آنان به سبب جهلشان به حقیقت آن، در صدد بر آمدن تا مفهوم غلطی را در مورد رجعت اشاعه دهند و موضوع آن را دلیلی بر انکار امامت دوازده وصی از اوصیای آل محمد (مهدیین دوازده گانه (علیهم السلام) قرار دهند در حالیکه به مهدیین دوازده گانه در وصیت شب وفات رسول الله (صلی الله علیه و آله) وصیت شده است.

و بخاطر آشکار ساختن حقایق پنهان این امر عظیم، این سفر کوتاه شکل گرفته که در خود پاسخ های سید احمد الحسن (علیه السلام) به سؤالاتی در مورد عالم رجعت و امور مرتبط به آن، که بر ایشان عرضه داشته ام را دارا است، که خود دلیلی بر حقانیت و صدق ایشان می باشد. و پاسخ برخی از آنها برگرفته از کتب منتشر شده سید (علیه السلام) همچون متشابهات، توحید، جواب های روشنگرانه، و همگام با بنده صالح و برخی کتب دیگر است - و اغلب پاسخ ها - از طریق پاسخگویی به پرسش هایی است که اخیراً بر ایشان عرضه داشتم و این مجموع شریف را در بین دستان همگان قرار می دهم.

و با وجود تمام ایمان به خداوند، از او خواستارم که گناه مرا بیامرزد و از تقصیر و کوتاهی ام به حرمت این امام مجهول القدر بگذرد و عاقبت من و تمام مؤمنین را ختم به خیر گرداند که او مهربانترین مهربانان است.

و الحمد لله رب العالمین

جمعه: ۱۳/ شوال/ ۱۴۳۳ هـ. ق

۱۰/ شهریور/ ۱۳۹۱ هـ. ش

علاء

رجعت چیست؟

رجعت در لغت به معنای: (رجوع و بازگشت به زندگی دنیا بعد از مرگ است).
جوهری و فیروز آبادی می گویند: (فلانی به رجعت ایمان دارد، یعنی به بازگشت به
زندگی دنیا بعد از مرگ).^(۳)

و اما معنا و مفهوم اصطلاحی که در صدد بیان آن هستیم عبارتند از:
رجعت: عالم دیگر و روز دیگری از سه روز بزرگ خداست^(۴) که در پیش روی قائم و
قیامت می باشد و دارای نظام و قوانین مخصوص به خود است همانگونه که در مضمون روایات
متعدد از آل محمد (علیهم السلام)، ذکر خواهد شد.

پس بعد از اینکه روز (قائم و قیامت) را ذکر کردند، سید احمد الحسن (علیه السلام) فرمودند:
(... روز رجعت باقی مانده و اکیداً آن عالم دیگری است و الا آن "روز" یعنی وقت و آن
مستقل در برابر زندگی جسمانی و قیامت، اختصاص داده نمی شد، پس آن از جمله آنها
نیست).

و نیز فرمودند: (رجعت، نامش دال بر آن است خدا به تو توفیق دهد، آن رجعت است به
معنای بازگشت، قومی که مُردند باز می گردند، امتحانی که به پایان رسید تکرار می شود،
روزهایی که گذشتند باز خواهند گشت...).

و نیز فرمودند: (آن امتحان دیگری است و ترتیب بازگشت رجعت کنندگان در آن در
دست خداوند سبحان است...).

و نیز فرمودند: (رجعت عالم دیگری است و با این عالم جسمانی متفاوت است، و در
نتیجه جزئیات آن نیز با این عالم متفاوت می باشد).

و بر جزئیات پاسخ های این ولی پاکدامن از آل محمد (علیهم السلام) توفیقی خواهیم کرد، اما قبل از
آن به خلاصه ای از آنچه که علمای شیعه در مورد اهمیت رجعت بیان کرده اند و نزد همه آنان
یا حد اقل اغلب آنان امری ثابت و مربوط به عقیده بوده، می پردازیم.

۳. الصحاح: ج ۳ ص ۱۲۱۶. القاموس المحیط: ج ۳ ص ۲۸.

۴. از امام صادق (علیه السلام) فرمود: (روزهای خدای عزیز و جلیل سه روزند: روزی که قائم در آن قیام کند، روز رجعت،
و روز قیامت). معانی الأخبار: ص ۳۶۶.

علمای شیعه رجعت را چگونه فهمیدند؟

علمای شیعه در می یابند که رجعت یعنی: (بازگشت به زندگی دنیا بعد از مرگ است). شیخ مفید می گوید: (سخن در باب رجعت: و می گویم: خداوند تعالی قومی از مردگان را با چهره های ابتدائی شان که بر آن بودند به زندگی دنیا باز می گرداند، پس گروهی از آنان را عزیز و گروه دیگر را ذلیل می گرداند و اهل حق را بر اهل باطل و مظلومان را بر ظالمان چیره می سازد، و آن امر در هنگام قیام مهدی آل محمد (علیهم السلام) تحقق می یابد).^(۵)

و حر عاملی می گوید: (بدانید که رجعت در اینجا در زندگی بعد از مرگ و قبل از قیامت است، و این مفهومی است که از ظاهر معنایش برداشت می شود و علماء به آن تصریح کرده اند...)^(۶).

پس واضح است که آنان رجعت را مقطع زمانی و تابع این عالم جسمانی که ما در آن هستیم می بینند؛ و آنچه که بیشتر بر آن تأکید می کند ملاحظه استدلال مقام بر اثبات رجعت است، و این بیان بعضی از آن می باشد:

اول: گفته آنها مبنی بر اینکه رجعت نوعی از معاد جسمانی است، لذا آنان بر آن مانند دلیل بر وجود معاد در آخرت استدلال می کنند.

سید مرتضی در استدلال خود بر رجعت می گوید: (... در صحت رجعت اموات هیچ اختلافی نیست مگر اینکه خارج از گفته های اهل توحید باشد، زیرا خداوند تبارک و تعالی بر ایجاد جوهر بعد از فناء و نیستی اش قادر است، پس هنگامی که بر آن قادر است می تواند در هر زمان که بخواهد آن را ایجاد کند).^(۷)

دوم: استدلال آنها بر احیای برخی از اقوام یا افراد در امت های گذشته به زندگی دنیا بعد از مرگشان، و برای آن، مثال زنده شدن عَزِیر بعد از مرگش یا احیای مردگان به دست حضرت عیسی (علیه السلام)، یا زنده شدن اصحاب کهف یا قوم بنی اسرائیل و غیره را ذکر می کنند.

۵. أوائل المقالات: ص ۷۸.

۶. الايقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة: ص ۶۱.

۷. رسائل الشریف المرتضی: ج ۳ ص ۱۳۵.

شیخ مظفر می گوید: (اعتقاد به رجعت، نه عقیده توحید را خدشه دار می کند و نه عقیده نبوت را، بلکه بر صحت هر دو عقیده تأکید می کند. رجعت دلیلی بر قدرت بالغ خداوند تعالی می باشد همچون بر انگیختن و زنده کردن. و آن از جمله امور خارق العاده ای است که شایسته بودن معجزه برای پیامبران محمد و آل بیتش است، و آن عین معجزه زنده کردن مردگان توسط عیسی مسیح علیه السلام می باشد و بلکه از آن بزرگ تر است زیرا که مردگان بعد از خاکستر شدن زنده می شوند).^(۸)

و شیخ طبرسی می گوید: (اخبار و روایات بسیاری از ائمه هدایت از آل محمد علیهم السلام وجود دارند که آشکار می کنند، خداوند تبارک و تعالی در هنگام قیام قائم علیه السلام قومی از اولیاء و شیعیانش که قبل از قیام حضرتش وفات کرده اند را زنده خواهد کرد تا در ثواب نصرت و یاری اش مشارکت جسته و فیض ببرند و در پی ظهور و طلوع دولتش مسرور گردند؛ و همچنین قومی از دشمنانش باز می گردند تا از آنان انتقام گیرد و عقوبت در دنیا از قتل و کشتار و ذلت و خواری از داد و ستد و فرمانروایی که منتشر می کند بدست شیعیانش را دچار گرداند، و هیچ عاقلی شک نمی کند که این برای خدای تعالی مقدر است و در نزد خدا چیز ناممکن وجود ندارد، و آن را در امت های پیشین عملی کرده و تحقق بخشیده و قرآن کریم در برخی مواضع همچون داستان عَزْریر و غیره این امر را ذکر می کند، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز فرمود: (در امتم همان امری خواهد بود که در بنی اسرائیل بوده است، پس پا در جای پای آنان و قدم در جای قدم آنان قرار خواهید داد حتی اگر یکی از آنان وارد سوراخی شد، شما نیز وارد آن شوید)).^(۹)

سوم: مربوط ساختن رجعت به عصر ظهور امام مهدی علیه السلام همانطور که اندکی پیش آن را از شیخ طبرسی نقل قول کردیم.

و شیخ مفید می گوید: (اخبار در ذکر نشانه های زمان قیام امام مهدی علیه السلام بیان شده اند، و حوادثی که پیش از قیام حضرتش رخ می دهند خواهند بود، و نشانه ها و علامت های آن از جمله: خروج سفیانی... تا آنجا که می گوید: و مردگان از قبورشان بر انگیخته می

۸. عقائد الإمامية: ص ۱۰۹.

۹. تفسیر مجمع البیان: ج ۷ ص ۳۶۶.

شوند تا به دنیا بازگردند و یکدیگر را در آن می بینند و به ملاقات یکدیگر می روند. تا آنجا که می گوید: در آن هنگام، از ظهور امام علیه السلام در مکه مطلع می شوند و برای نصرت و یاری اش به آنجا روانه می شوند.^(۱۰)

چهارم: استدلالشان به برخی از آیات خلافت و مکنت بر این زمین آن هم بعد از آسیب پذیری بر بازگشت پیامبر و ائمه به این زندگی دنیا بعد از وفاتشان. آیاتی همچون: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾، (و می خواهیم بر کسانی که در سرزمین فرو دست شده اند منت نهیم و آنان را پیشوایان گردانیم و ایشان را وارث کنیم).^(۱۱)

حر عاملی بعد از نقل اجماع شیعه بر رجعت و بازگشت پیامبر و ائمه در مورد آیه می گوید: (... و آن امر در ملاحظه ضمائر جمع در آیه و در کلام طبرسی روشن می شود، و از لفظ خلافت و مکنت و پایان یافتن هراس و خوف و عبادت، و آنچه که معلوم است از وجوب تحمیل بر تقیه می باشد، و اگر تنها به خروج مهدی علیه السلام تحمیل می بود لازم به حمل کلی بر استعاره و تأویل دور بدون ضرورت و قرینه می شد...)^(۱۲).

و خداوند می فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾، (خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده داده است که حتماً آنان را در سرزمین جانشین قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند).^(۱۳)

۱۰. الإرشاد شیخ مفید: ج ۲ ص ۳۷۰-۳۶۸.

۱۱. القصص: ۵.

۱۲. الايقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة: ص ۶۷.

۱۳. النور: ۵۵.

حر عاملی می گوید: (این آیه آشکارتر از آیه قبلی می باشد؛ زیرا بر دادن مکنت به افراد ذکر شده و تعیین آنان بعنوان پیشوایان وارث دلالت می کند، و مکنت دادن به آنان بر زمین و بر حذر داشتن دشمنانشان از آنها، همه اینها بعد از اینکه بر زمین مستضعف و بی مکنت بودند خواهد بود، و آیا مصداقی جز رجعت و بازگشت برای آن وجود دارد؟).^(۱۴)

آنچه که از گفته‌های علماء برای تأکید مواردی که ذکر کردیم نقل شد، کفایت می کند.

و آن علماء اگر رجعت و روایات آن را مبنی بر اینکه جزئی از این عالم جسمانی می باشد تأویل کردند، برخی دیگر روایات رجعت را اینگونه تأویل کردند که روایات رجعت بر رجوع و بازگشت افراد دلالت نمی کند بلکه به معنای رجوع و بازگشت دولت حق است.

سید مرتضی گفته آنان را نقل می کند، و می گوید: (اما کسانی که رجعت را در اصحابمان تأویل نمودند که معنای آن بازگشت دولت و امر و نهی بدون بازگشت افراد و زنده شدن مردگان است، همانا که قومی از شیعه وقتی که در نصرت رجعت، و بیان اذن آن و اینکه با تکلیف منافات دارد دچار عجز شدند، به اینگونه تأویل در مورد اخبار رجعت پناه بردند).^(۱۵)

بلکه برخی از آنان آن قدر دور شدند که می بینند رجعت برای همه بازگردانده شدگان، سرای تکلیف نیست:

علامه مجلسی می گوید: (... در ظاهر زمان رجعت تنها زمان تکلیف نیست، بلکه آن حدّ واسطه بین دنیا و آخرت است، برای جماعتی سرای تکلیف و برای گروهی دیگر سرای عقوبت است).^(۱۶)

این اختلاف در فهم رجعت و روایاتش می باشد که شیخ مفید در خصوص آن می گوید: (امامیه بر رجعت و بازگشت بسیاری از مردگان به دنیا قبل از روز قیامت اتفاق نظر دارند،

۱۴. الايقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة: ص ۹۳.

۱۵. رسائل الشریف المرتضی: ج ۱ ص ۱۲۶.

۱۶. بحار الأنوار: ج ۲۵ ص ۱۰۹.

هر چند در معنای رجعت با هم دچار اختلاف شده اند).^(۱۷)

و بر این اساس، در بیان اعتقاد به رجعت اختلاف یافتند:

پس بعد از اینکه شیخ صدوق (از علمای پیشین) به این گفته بسنده کرد که: (اعتقاد ما به رجعت این است که آن حق می باشد).^(۱۸)

شیخ مظفر (از علمای معاصر) معتقد است که رجعت از جمله اصول اعتقادی که مستلزم نظر هستند، نمی باشد و می گوید: (و رجعت از اصول نیست که باید به آن معتقد شد یا در آن تجدید نظر کرد، و همانا اعتقادمان به آن به دلیل آثار صحیح وارد شده از اهل بیت است که به عصمتشان و عدم کذب ایشان معتقدیم، و آن از امور غیبی می باشد که ما را از آن آگاه ساختند، و به وقوع پیوستن آن منع نمی شود).^(۱۹)

و برخی از آنان اعتراف می کنند که دانستن جزئیات و کیفیت و ترتیب آن به خلفای الهی موکول شده است:

سید عبد الله شیر می گوید: (به طور کلی باید به اصل رجعت ایمان داشت، و اینکه برخی از مؤمنان و برخی از کافران به دنیا باز می گردند، و جزئیات امر آن به ایشان موکول است، و احادیث در رجعت امیر المؤمنین و امام حسین متواتر المعنا هستند، و در مورد دیگر ائمه (علیهم السلام)، قریب به تواتر است، و کیفیت و چگونگی بازگشتشان آیا بر حسب ترتیب است یا غیر آن، تمام علم آن به خدای سبحان و اولیائش باز می گردد).^(۲۰)

و جدیداً این تعابیر نیز ترویج داده شدند که (رجعت) از اصول مذهب است، و نه از اصول دین!!!

۱۷. اوائل المقالات: ص ۴۶.

۱۸. الإعتقادات في دين الإمامية: ص ۶۰.

۱۹. عقائد الإمامية: ص ۱۱۳.

۲۰. حق اليقين: ج ۲ ص ۳۵.

آیا بین روایات رجعت و روایات مهدیین، تعارض وجود دارد؟

رجعت که ذکر متواتر آن در روایات اهل بیت (علیهم السلام) به طور کلی آمده است: علامه مجلسی می گوید: (چگونه مؤمن به حقانیت ائمه اطهار (علیهم السلام) در روایات متواتر ایشان که نزدیک به یکصد حدیث صریح و معتبرند شک کند، که چهل و اندی تن از علماء و ثقات بزرگ در بیش از پنجاه جلد از تألیفاتشان به ذکر آنها پرداخته اند..... و اگر مانند این، تواتر به حساب نیاید، پس با چه چیزی می توان در برابر آنچه که تمام شیعه از گذشتگان خود روایت کرده اند، ادعای تواتر کرد).^(۲۱)

و حر عاملی گوید: (احادیث رجعت به علت وجودشان در کتب اربعه و دیگر کتب معتبر، و کثرت و فزونی قرائن که بر قطعیت صحت و ثبات روایات آن از طریق اهل عصمت (علیهم السلام) دلالت می کنند ثابتند و به هیچ قرینه دیگری نیاز ندارند؛ زیرا به حد تواتر رسیده بلکه از حد نیز تجاوز کرده اند، و هر حدیثی از آن به همراه قرائن اشاره شده به آن مستفاد می شود. پس با وجود این همه اجماع و وحدت کلام، چه شکی باقی می ماند!).^(۲۲)

و اما ائمه هدایت رجعت را به طور کل ذکر کردند، به اعتبار اینکه ایشان تصریح کردند که زمان تبیان جزئیات عظیم و مرتبط با رجعت هنوز فرا نرسیده است، و امر آن موکول به قائم (علیه السلام) می باشد.

از زراره گوید: (از امام صادق (علیه السلام) در مورد امور عظیم رجعت و امثال آن سؤال کردم. حضرت فرمود: زمان آنچه درباره آن می پرسید، هنوز فرا نرسیده است...)^(۲۳).

۲۱. بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۱۲۲.

۲۲. الايقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة: ص ۵۶.

۲۳. مختصر بصائر الدرجات: ص ۲۴.

پس علماء اگر بعد از دانستن این مسئله، دخالت در جزئیات رجعت را ترک می کردند خود را وارد مخمصه نمی کردند، و خود را از رنج گفته ها، نظرات و پیشنهادات و تأویلات در دین خدا بی نیاز می ساختند، تا آنجا که بعضی از آنان به این نتیجه رسیدند که تصور کردند روایات رجعت با روایات مهدیین از ذریه امام مهدی علیه السلام در تعارض هستند.

روایات مهدیین روایات موثر دیگری هستند و در منابع شیعه از اغلب ائمه اهل بیت علیهم السلام روایت شده اند، و انصار امام مهدی علیه السلام آنها را در بسیاری از کتبشان ذکر کردند، و در سایت رسمی این دعوت مبارک منتشر شده اند و امکان رجوع همگان به آنها موجود است. (۲۴)

سید احمد الحسن علیه السلام می فرمایند: (... روایات متواتر بسیاری وجود دارند که بر وجود دوازده مهدی از فرزندان امام مهدی علیه السلام دلالت می کنند و آنان خلفای الله بر زمین هستند؛ و همچنین روایات بسیاری بر وجود رجعت دلالت کرده اند؛ پس دو امر عقائدی بر اساس روایات بسیار و متواتر ثابت می باشند، و منکر یکی از آنها یا جاهل است و عقلش او را در درک یاری نمی رساند و علمی ندارد تا بین آنها جمع بندی کرده و توافق بین روایات به صورت صحیح و مورد قبول ایجاد کند، یا اینکه متکبر و معاند است که می خواهد خورشید را با غربال بپوشاند، و الا انکار حقیقت که بوسیله روایات بسیار و متواتر المعنی که بسیاری از علمای شیعه نسل به نسل روایت کرده اند، چه مفهومی دارد؟!).

این همان حقیقت پنهان از علماء می باشد، با وجود محقق شدن قطعی بعد از اینکه آل محمد علیهم السلام در وعده ای به شیعیان آن را قطعی ساختند: (زمان آن چیزی که در موردش می پرسید هنوز فرا نرسیده است). و شایسته بود به انتظار آن بنشینند و در بیان آن دخالت نکنند، حال چه رسد به اینکه با توهم و خیال پردازی خود برای آن مفهومی را مشخص کنند سپس با مطرح ساختن چیزی که مخالف آن است حکم صادر کنند.

۲۴. و از آنها: (چهل حدیث در مهدیین و ذریه قائم)، (مهدیین در احادیث اهل البیت)، (مهدی و مهدیین در قرآن و سنت)، (بعد از دوازده امام)، (جامع الأدله)، (بینات بر حقیانیت وصی، احمد الحسن)، (محکمت بر حقیانیت وصی، احمد الحسن)، و غیر از آنها.

پرسش هایی در مورد رجعت که قائم عليه السلام به آنها پاسخ دادند:

رجعت چیست؟ و آیا عالمی خاص است و امتحانی دیگر است که انسان از سر می گذراند؟ دلیل اثبات مبنی بر اینکه آن عالم دیگری است، چیست؟

و منظور از (الْكُبْر) که خداوند سبحان در کتاب خویش بدان اشاره داشته ﴿إِنَّهَا لِيَأْخُذِي الْكُبْر﴾، (که آن از پدیده های بزرگ است) ^(۲۵) چیست؟

سپس خداوند در کتاب خویش به فرستادگان وعده پیروزی داده است، پس پیروزی و نصرتشان کجا خواهد بود در حالی که همه آنها کشته یا مسموم گشته اند؟

و منظور از (الْأُولَى) که خداوند سبحان در کتاب خویش، در قبال آخرت به آن اشاره کرده است، چیست؟ ﴿وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾، (و اوست خدا [بی که] جز او معبودی نیست در سرای نخستین و در آخرت ستایش از آن اوست و فرمان او راست و به سوی او بازگردانیده می شوید). ^(۲۶)

و آیا عالم رجعت با ظلمات سه گانه که خداوند سبحان در کتاب خود، آنها را ذکر کرده است، ارتباط دارد؟ و یا به عبارت دیگر: وجه ارتباط بین **عالم ذر** و **این عالم** و **عالم رجعت** چیست؟

سپس واضح و آشکار است که معرفت، هدف خلقت است، آیا عالم رجعت در تحقق این امر نقشی دارد؟

و همچنین: رجعت در کجا خواهد بود؟ در روایات رجعت، زمین [محل وقوع] ذکر شده است، پس آیا مُراد از آن، همین زمینی است که اکنون بر روی آن زندگی می کنیم یا منظور چیز دیگری است؟ این چنین دنیا ذکر شده است.

و آیا تمام انسان ها باز می گردند یا بعضی از آنها، و آنان چه کسانی هستند؟ و آیا به صورت اقوام باز می گردند یا فردی؟ یا هر دو صنف رجعت خواهند کرد؟ و آیا فقط انسان رجعت می کند یا جن نیز رجعت خواهد داشت؟؟؟

۲۵. المذثر: ۳۵.

۲۶. القصص: ۷۰.

سپس، برخی از احتجاجات ائمه در اثبات رجعت با احیای مردگان در امت های پیشین را می خوانیم (همانگونه که میان امام رضا علیه السلام و مأمون حاصل گشت)، پس چگونه این امور با همدیگر همخوانی دارند در حالی که عالم رجعت، عالمی دیگر غیر از این عالم جسمانی می باشد؟

همچنین می یابیم که آل محمد علیهم السلام برخی آیات کتاب خدا را در باب قیام قائم علیه السلام به همراه رجعت تفسیر می کنند، پس معنای آن چیست؟

آیا در رجعت روز معینی وجود دارد که در آن ابلیس (لع) کشته می شود، همانگونه که در این دنیا روزی معین است که در آن به دست قائم علیه السلام در مسجد کوفه به قتل می رسد؟ فرد مؤمن چگونه به رجعت و به وجود مهدیین اوصیاء به هر دو اعتقاد پیدا کند، در صورتی که هر دو بعد از امام مهدی علیه السلام خواهند بود؟

و همچنین از آل محمد علیهم السلام روایت شده است که امیر المؤمنین علیه السلام جنبنده زمین در عالم رجعت می باشد، اما به وجود جنبنده ای دیگر در زمان قائم علیه السلام نیز اشاره شده است، پس منظور و معنای آن چیست؟

بلکه در روایات آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام در دولت عدل الهی در کوفه، حضور پیدا می کنند، و همچنین از حضور سلمان و مالک اشتر و اصحاب کهف و غیر ایشان ضمن اصحاب قائم علیه السلام نیز روایت شده است، پس آیا روایات در مورد وجود رجعتی بر این زمین غیر از آن رجعت که در عالم دیگر تحقق می یابد، سخن می گویند؟

و همچنین از دیگر سؤالات: آیا در رجعت زمانی همانند زمان این عالم ما می باشد؟

رجعت انبیاء و ائمه چگونه خواهد بود، آیا به همین ترتیب موجود در این عالم خواهد بود؟ و اگر خداوند با فضل خویش، رجعت و بازگشت مؤمنی را مقرر نماید، آیا او به نصرت و یاری همان خلیفه الهی رجعت خواهد کرد که در این عالم او را یاری و نصرت داده بود؟

آیا وابستگی های نسبی و سببی موجود در زمان حال، همچون رابطه والدین و فرزندان و اهل و عیال و مشابه آن، نقش و تأثیری در رجعت دارند، مثلاً کسی که فرزند فلانی بود، در رجعت نیز فرزند او خواهد بود؟

بر فرض مثال: روایت شده است، اولین کسی که رجعت می کند، امام حسین علیه السلام

خواهد بود، پس آیا او بار دیگر به عنوان فرزند امیر المؤمنین و (نوه) جدش رسول الله ﷺ، خواهد کرد و الخ...؟

این و دیگر سؤالات را سید احمد الحسن علیه السلام در بیان مختصر مبارک خویش پاسخگو بودند که بزرگان و علماء از پاسخ به آنها عاجز و درمانده شدند. پس در بین دستان خواننده گرامی بیناتی که ایشان علیه السلام آشکار کردند و در آن پاسخگوی پرسش هایی در باب رجعت و برخی جزئیات آن هستند، را قرار می دهیم.

(۱) رجعت روزی از روزهای خداست:

چیزی که سید احمد الحسن علیه السلام آن را روشن ساختند، و در بیان فرموده خداوند ﴿إِنَّهَا لِيَأْخُذِي الْكُبْرَى﴾ فرمودند:

(یعنی قیامت صغری، و وقایع بزرگ الهی سه واقعه می باشند: قیامت صغری، و رجعت و قیامت کبری). (۲۷)

و نیز فرمودند: (... و روزهای خداوند، نزد او و اولیائش نزدیک و نزد کافران دور هستند، به قول خداوند متعال: ﴿إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً * وَتَرَاهُ قَرِيباً﴾، (آنان دور می بینند * و ما نزدیک می بینیم). (۲۸) و آن ها، روز قیام قائم و روز رجعت و روز قیامت کبری هستند، و در آن هنگام است که چشم انسان و همه مردم در دست هر انسان از عدل یا ظلم را می بینند وقتی که حقایق آشکار می شوند، و آنچه را که نمی دیدند را خواهند دید، هنگامی که اهل باطل ظالم پشیمان شوند و گویند: ای کاش ولایت ولی خدا و حجت او بر خلقش را می پذیرفتیم...). (۲۹)

و آنچه که از آل محمد روایت شده است:

۲۷. متشابهات: ج ۴ سؤال شماره ۱۴۴.

۲۸. المعارج: ۶-۷.

۲۹. جواب های روشنگرانه: ج ۲ سؤال شماره ۵۹.

از مثنی حنط، از جعفر بن محمد، از پدر بزرگوارش علیه السلام نقل است که فرمود: (روزهای خدا سه روزند: روز قیام قائم، روز رجعت، و روز رستاخیز).^(۳۰)

در یک سؤال: آیا روایت در جدا کردن عالم رجعت بطور مجزاء سودمند است؟ ایشان علیه السلام در پاسخ فرمودند: (آری، مسئله واضح است و مشخص کرده است که هر حادثه در روز خاص خود یعنی در وقت و عالم مختلفی به وقوع می پیوندد، پس روز قائم علیه السلام واضح است که در زندگی جسمانی است که در آن زندگی می کنیم و روز قیام قائم خلاصه زندگی جسمانی است، و روز قیامت آشکار است که در آخرت و عالم دیگر غیر از این عالم جسمانی می باشد. و روز رجعت باقی مانده و اکیداً آن عالم دیگری است و الا به آن "روز" یعنی وقت و آن مستقل در برابر زندگی جسمانی و قیامت، اختصاص داده نمی شد، پس آن از جمله آنها نیست).

جدایی و انفراد رجعت بعنوان روزی دیگر بعد از مرگ و قبل از قیامت، امری است که روایات بر آن تأکید دارند، مثالی از روایات:

محمد بن سلام از ابی جعفر علیه السلام در فرموده خداوند: ﴿رَبَّنَا أَمَّنَّا اِنتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اِنتَيْنِ فَاَعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ اِلَيْ خُرُوجٍ مِّنْ سَبِيلٍ﴾، (پروردگارا ما را دوبار مرده و زنده کرده ای و به گناهان خود اعتراف کردیم پس آیا راه خروجی از آن هست؟).^(۳۱) فرمود: آن در خصوص اقوامی است که بعد از مرگ رجعت می کنند، و تا روز قیامت نیز جاری است، و مرگ بر قوم ستمکار باد).^(۳۲)

از حماد از ابی عبد الله علیه السلام نقل می کند که فرمود: (مردم در مورد این آیه چه می گویند: ﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ اُمَّةٍ فَوْجًا﴾، (و آن روز که از هر امتی گروهی را محشور می گردانیم)؟ عرض کردم: می گویند: آن در مورد قیامت است. فرمود: آنگونه نیست که می گویند، بلکه آن در مورد رجعت است. آیا خداوند در روز قیامت از هر گروه دسته‌ای را محشور می گرداند و بقیه را رها می کند؟! خیر، چنین نیست، همانا آیه قیامت، این است که:

۳۰. معانی الأخبار شیخ صدوق ص ۳۶۶.

۳۱. غافر: ۱۱.

۳۲. مختصر بصائر الدرجات ص ۱۹۵-۱۹۴.

﴿وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾، (و آنان را محشور می‌آوریم و هیچ یک را فرو گذار نمی‌کنیم). (۳۳)... (۳۴)

۲) رجعت، امتحانی دیگر:

بعد از اینکه آشکار شد که رجعت روزی از سه روز بزرگ خدا است، بنا بر این آن عالمی دیگر و امتحانی دیگر است که در آن، بعضی از خلقی که ایمان محض و کفر محض داشتند در آن آزمایش می‌شوند.

از مفضل، از ابی عبد الله علیه السلام نقل می‌کند که حضرت در مورد فرموده خداوند متعال ﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا﴾ فرمود: (از مؤمنان هیچ کسی کشته نشد مگر این که به دنیا برگردد تا بمیرد، و باز نمی‌گردند جز کسانی که خالصانه ایمان آوردند یا کفر محض داشتند). (۳۵)

رجعت عالمی است که دارای قوانین خاص خود می‌باشد:

امام صادق علیه السلام بعد از اینکه کشته شدن ابلیس بدست رسول الله صلی الله علیه و آله در عالم رجعت را ذکر کرد، فرمود: (... در این زمان خدای عز و جل (به حق) عبادت می‌شود و نسبت به او شرک ورزیده نمی‌شود، و امیر المؤمنین علیه السلام به مدت چهل و چهار هزار سال حکومت می‌کند، تا آنجا که از هر مرد شیعه و پیرو علی علیه السلام هزار فرزند پسر متولد شود، و در آن هنگام دو باغ سر سبز و سیاه فام در کنار مسجد کوفه و اطراف آن آنگونه که خدا بخواهد پدیدار می‌گردند). (۳۶)

و واضح است که ولادت هزار فرزند پسر برای یک مرد جدا از فرزندان دختر، امری غیر

۳۳. الکهف: ۴۷.

۳۴. مختصر بصائر الدرجات ص ۴۱-۴۲.

۳۵. تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۳۱. بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۵۳.

۳۶. مختصر بصائر الدرجات ص ۲۷.

طبیعی بوده و نمی تواند در این عالم جسمانی که قوانین خاصی بر آن حاکم است، تحقق یابد. (۳۷) همانگونه که مدت زمانی که روایات برای حکم خلفای الهی در رجعت ذکر کرده اند، دلالت بر این دارند که رجعت عالمی دیگر که قوانین خاص به خود دارد است، که با قوانین این عالم متفاوت می باشند.

سید احمد الحسن علیه السلام می فرمایند: (عالم رجعت، عالمی غیر از این عالم است که ما در آن زندگی می کنیم، و این امر از روایات آشکار است، مثلاً: روایاتی که دلالت بر این دارند که رجعت عالمی دیگر است بدلیل منافات صفاتش مبنی بر اینکه انسان در آن عمر طولانی خواهد داشت و یا فرزندان بسیاری برای او خواهند بود، و همچنین متن قرآنی در مورد رجعت مبنی بر اینکه آن زندگی بعد از مرگ می باشد، پس حال چگونه خواهد بود و مردم در آن هنگام خواهند دید که مردگان بسیاری از گورها سر بر می آورند، پس امتحان و آزمایش کجاست و چرا برخی از مردم سرپیچی و نافرمانی می کنند؟).

و نیز فرمودند: (تو را به مسأله ای که در مورد رجعت است ملتفت می سازم، پس عاقل وقتی که از روایات رجعت و چگونگی زندگی در آن، و برای هر شخص چند فرزند به دنیا می آید... الخ اطلاع پیدا می کند، به نتیجه می رسد که آن عالمی دیگر است، پس عقل و واقع این را نمی پذیرند که این مسائل در این دنیا با این محدوده هایی که دارد، باشند؛ و این برداشت و مفهوم نزد خردمندان غیر قابل قبول است اما با کسانی که هیچ سخنی را درک نمی کنند، چه کنیم؟!).

و در توضیح مانند این مفهوم ابتدائی و درک اولیه نا درست از روایات که بعضی از مدعیان علم به آن دست یافتند، چه در مورد رجعت باشد چه غیر از آن از عقائد، ایشان علیهم السلام در این باره فرمودند: (مانند این درک و فهم اولیه و ابتدائی از روایات در نزد برخی می بینیم که تصورشان از دجال این است که او یک شخص (انسان) می باشد، علی رغم اینکه گام

۳۷. از لحاظ عقلی نا ممکن نیست، هر چند که معمولاً نا ممکن است، و ظاهر روایت نشانگر این است که این امر بصورت عادی و طبیعی صورت می گیرد و نه بصورت معجزه و استثنائی؛ و روایت، هر مرد از شیعیان امام علی علیه السلام را یاد می کند، و روشن است که این مسئله بصورت طبیعی با عالم جسمانی ما نا متناسب است، بلکه در آن معجزه ای خارق العاده است.

های قاطر او مسافت بسیار دوری را طی می کنند، و در برخی روایات آمده است که: بین گوشه‌هایش چهل یا هفتاد ذراع فاصله است و علی رغم اینکه در روایات آمده است که همراه او کوهی از طعام و کوهی از آتش است، چگونه ممکن است که طول گوش‌های آن سی ذراع یا فاصله بین آن دو چهل ذراع باشد؟! و وجود کوهی از آتش و کوهی از طعام چگونه می باشد؟ آیا عقل یا شخص خردمند این حدیث را بدون داشتن رمز و راز قبول می کند؟! آنان با این تفاسیر محل خویش از احادیث، مردم را در دنیایی از توهم و خیال پردازی دور از واقعیت قرار می دهند.

بر فرض مثال: بر حسب درک و فهم ضعیف آنان از روایات، اصحاب مهدی از بستر خود مفقود شده و بدون هیچ مقدمه و زمینه سازی در مکه جمع می گردند! گویا فیلم کارتونی برای کودکان است! اینچنین بدون زمینه سازی عقائدی، و بدون اینکه امام مهدی علیه السلام آنان را با علم مسلح سازد، این چنین تصویری برای مردم ایجاد می کنند که اصحاب مهدی در شبی از شبها در هوا به پرواز در آمده و خود را در کعبه می یابند و فقط امام مهدی به همراه سیصد و سیزده نفر از اصحاب، خود را در حالی می یابند که هزاران وهابی دورشان را احاطه کرده اند.

اینگونه درک و فهم، نزدیکی بسیاری به سفاهت و بی خردی دارد و آنان این چنین مردم را سست و بی حس می کنند و از نصرت و یاری امام مهدی علیه السلام با این حجت و دلیل که ایشان و سیصد و سیزده تن از اصحابش در مکه ظهور خواهند کرد و پیروز می شوند، و شما منتظر ظهور و پیروزی ایشان باشید و هیچ عملی انجام ندهید! را دور می کنند. چگونه بر صدها هزار وهابی اگر در مکه با او مبارزه کردند، پیروز خواهد شد؟! چگونه بر حجاز مسلط خواهد شد؟! تنها با صدها نفر یا با معجزات در هم شکننده؟! و اگر مسأله، فقط مسأله معجزات و هلاکت مردم بود، بنا بر این نیازی به امام مهدی علیه السلام نیست، بلکه خداوند سبحان مردم را هلاک می کند و با معجزات بر آنها پیروز می شود و با چیره و غلبه آنها را وادار به ایمان می کند، و امر به پایان می رسد!

این فهم ساده و نا چیز آنها از مسائل عقائدی چه مرتبط با امام مهدی علیه السلام و یا رجعت، بیانگر سفاهت و بی خردی شان در امری که متصدی آن هستند و سطح ضعف درکشان را

می‌رساند، و باید این امور روشن و تبیان شوند تا کسی که از آنان می‌شنود و گوش به آنان فرا می‌دهد سطح فکری و علمی آنها را بداند و توسط آنها فریب نخورد).

ممکن است روایات متشابهی ذکر شده باشند که به ظاهر بیانگر این باشند که رجعت جزئی از این عالم جسمانی می‌باشد، و بعنوان مثال: شیخ صدوق رحمته الله در سؤال مأمون عباسی از امام رضا علیه السلام در حدیثی طولانی را روایت می‌کند که در آن آمده است: (... مأمون گفت: ای ابا الحسن در مورد رجعت چه می‌گویی؟ حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: رجعت حق است و در میان امت‌های پیشین بوده است و قرآن از آن سخن گفته است. و پیامبر فرمود: در این امت، درست هر آنچه که در امت‌های پیشین رخ داده است بی‌کم و کاست، رخ خواهد داد). (۳۸)

و در مورد این حدیث از سید احمد الحسن علیه السلام سؤال شد: امام رضا علیه السلام در مورد کدام رجعت سخن می‌فرمود؟

ایشان علیه السلام در پاسخ فرمودند: (رجعت به طور کل چه در عالمی دیگر باشد، همانگونه که گفته شد، و چه نباشد همانگونه که برخی از مخالفان ادعاء می‌کنند، پس آن در نتیجه زنده شدن بعد از مرگ است همانگونه که می‌دانی، و در نتیجه می‌توان برای آن مثال زنده شدن مردگان در گذشته را ذکر کرد؛ زیرا آن حادثه ای است که شخص مخالف در مورد قول رجعت، به آن اقرار می‌کند.

پس مأمون مخالف بود، و در نتیجه با چه چیزی ممکن بود بر او محتج شوی؟ آیا به آن چیزی که به آن اقرار دارد احتجاج نمی‌کنی؟ و مأمون مخالف امام رضا علیه السلام بود، و در نتیجه امام علیه السلام بر اساس گفته‌های خودشان در مورد احیای بعضی مردگان بعد از مرگ در امت‌های پیشین که به آن اقرار دارند، بر او احتجاج کرد).

۳) رجعت، روزی که خداوند در آن، فرستادگانش را پیروز می گرداند:

سید احمد الحسن علیه السلام در بیان آن فرمودند:

(... فرستادگان یا خلفای خدا بر زمینش، رسالات خویش را ابلاغ کرده و اقوام خود را هشدار دادند و در مقابل آن تنها تکذیب، گریز، قتل، همت و افتراء نصییشان گشت، اما خداوند سبحان به آنان وعده پیروزی و محقق شدن رسالات و حق غضب شده آنان را داد، و این پیروزی برای آنان در سه موضع خواهد بود: قیامت صغری، رجعت و قیامت کبری، یا همان وقایع الهی سه گانه که اولین آنها قیامت صغری و آن قیام قائم آل محمد و ارسال او به مردم می باشد.

و خداوند می فرماید: ﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ * وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْعَالِبُونَ * فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ * وَأَبْصَرَهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ * أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ * فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنذَرِينَ﴾، (و قطعاً فرمان ما در باره بندگان فرستاده ما از پیش [چنین] رفته است * که آنان حتماً پیروز خواهند شد * و سپاه ما هر آینه غالب آیندگانند * پس تا مدتی [معین] از آنان روی برتاب * و آنان را بنگر که خواهند دید * آیا عذاب ما را شتابزده خواستارند * [پس هشدار داده شدگان را] آنگاه که عذاب به خانه آنان فرود آید چه بد صبحگاهی است). (۳۹)

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ﴾، (و به حقیقت ما به موسی کتاب [آسمانی] دادیم پس در مورد آن اختلاف شد و اگر از جانب پروردگارت وعده ای پیشی نگرفته بود قطعاً میان آنها داوری شده بود و بی گمان آنان در باره آن در شکی بهتان آمیزند). (۴۰)

﴿وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى﴾، (و اگر سخنی از پروردگارت پیشی نگرفته و موعدی معین مقرر نشده بود قطعاً [عذاب آنها] لازم می آمد). (۴۱)

۳۹. الصافات: ۱۷۷-۱۷۱.

۴۰. هود: ۱۱۰.

۴۱. طه: ۱۲۹.

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ﴾، (و به راستی موسی را کتاب [تورات] دادیم پس در آن اختلاف واقع شد و اگر از جانب پروردگارت فرمان [مهلت] سبقت نگرفته بود قطعاً میانشان داوری شده بود و در حقیقت آنان در باره آن به شکی سخت دچارند).^(۴۲)

﴿وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ﴾، (و فقط پس از آنکه علم برایشان آمد راه تفرقه پیمودند [آن هم] به صرف حسد [و برتری جویی] میان همدیگر و اگر سخنی [دایر بر تأخیر عذاب] از جانب پروردگارت تا زمانی معین پیشی نگرفته بود قطعاً میانشان داوری شده بود و کسانی که بعد از آنان کتاب [تورات] را میراث یافتند واقعاً در باره او در تردیدی سخت [دچار] اند).^(۴۳)

اگر در این آیات تدبیر و تفکر کنی، به وضوح پیروزی خداوند برای فرستادگان (علیهم السلام) و راه و روش الهی که به آن دعوت می کردند که همان حاکمیت خدا است به زمان قیام قائم که او کلمه پیشی گرفته از طرف خداست و او رهبر سربازان لشکر خدای غالب است، و او که روز داوری اول یعنی در قیامت صغری می باشد، موکول شده است. این خلاصه وار است، و اگر خواهان جزئیات بیشتر هستی، می توانی سؤال کنی و من در خدمت شما هستم إن شاء الله تعالی).^(۴۴)

و آل محمد (علیهم السلام) در روایات شریف خویش، بیان کردند:

از جمیل بن دراج، از امام صادق (علیه السلام) گوید: (در مورد فرموده خداوند عز و جل ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾)، (در حقیقت ما فرستادگان خود و کسانی را که گرویده اند در زندگی دنیا و روزی که گواهان بر پای می ایستند قطعاً یاری

۴۲. فصلت: ۴۵.

۴۳. الشوری: ۱۴.

۴۴. جواب های روشنگرانه ج ۱ سؤال شماره ۵۳۱.

می‌کنیم).^(۴۵) سؤال کردم. آن حضرت فرمود: به خدا سوگند، آن در رجعت خواهد بود. آیا مگر نمی‌دانی که بسیاری از پیامبران در دنیا یاری نشدند و کشته شدند، و پیشوایانی که کشته شدند و یاری نشدند، پس آن در رجعت خواهد بود. عرض کردم: ﴿وَأَسْتَمِعُ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادُ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ * يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ﴾، (و گوش فرا دار و منتظر روزی باش که منادی از مکان نزدیک نداء می‌دهد، روزی که همگان صیحه را به حق می‌شنوند، آن روز، روز خروج است).^(۴۶) حضرت فرمود: آن همان رجعت است).^(۴۷)

۴) در رجعت، معرفت عالی تحقق می‌یابد (هدف خلقت):

شکی نیست که هدف خلقت انسان و جن، معرفت است. اما سؤال: این معرفت در کجا بصورت تمام و کمال تحقق خواهد یافت؟ و اگر رجعت در پاسخ این سؤال نقشی داشته باشد، پس رجعت در کجا خواهد بود؟

خداوند می‌فرماید: ﴿وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾، (و اوست خدا [بی‌که] جز او معبودی نیست در این [سرای] نخستین و در آخرت ستایش از آن اوست و فرمان او راست و به سوی او بازگردانیده می‌شوید).^(۴۸)

از سید احمد الحسن علیه السلام در مورد این آیه پرسیده شد، پس به آن پاسخ دادند و پاسخ سؤالات فوق را بیان ساختند و فرمودند: (یعنی اینکه حمد و ستایش حقیقی از خداوند سبحان، ثنای او بطور تمام و کمال و بر حسب مرتبه عالی معرفت است: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾، (و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا پرستند).^(۴۹) یا معرفت یابند، و این معرفت عالی که نشانگر هدف اصلی خلقت است در آسمان نخست یعنی [آسمان رجعت] و قبل از آن [آسمان ذر] می‌باشد و ابتدای آن یعنی [ابتدای اولی] در ظهور امام مهدی علیه السلام می

۴۵. غافر: ۵۱.

۴۶. ق: ۴۲-۴۱.

۴۷. مختصر بصائر الدرجات ص ۱۹-۱۸.

۴۸. القصص: ۷۰.

۴۹. الذاریات: ۵۶.

باشد، که مرحله نخست و مقدمات زمینه سازی برای عالم رجعت آغاز می شود.

﴿وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾، (و فرمان از آن اوست): یا حاکمیت از آن خداوند است، که با حکم امام مهدی علیه السلام و مهدیین علیهم السلام سپس رجعت، و حکم انبیاء، فرستادگان، ائمه و اوصیاء تحقق می یابد.

﴿وَالَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾، (و به سوی او بازگردانیده می شوید): بازگشت به سوی خداوند سبحان در رجعت است، یعنی تا نیکوکاران را به سبب نیکی کردارشان و ظالمین را به سبب ظلمشان در رجعت (کسانی که خالصانه ایمان آوردند و یا به کفر محض رسیده باشند) مورد پاداش و عقوبت قرار دهد،^(۵۰) همانگونه که از ائمه علیهم السلام روایت شده است. پس برای هر ظالمی پیمانه، و برای هر نیکوکاری پیمانه ای است، پس خداوند انتقام انبیاء، فرستادگان و ائمه را از ظالمانی که به کفر محض رسیده اند، می ستاند.

﴿وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾، (و قطعاً غیر از آن عذاب بزرگتر از عذاب این دنیا [نیز] به آنان می چشانیم امید که آنها [به خدا] بازگردند).^(۵۱)

و قطعاً غیر از آن عذاب بزرگتر از عذاب این دنیا [نیز] به آنان می چشانیم (یعنی در رجعت). اما در آخرت: حمد و ستایش کامل تر، بزرگتر، و تمام تر است؛ زیرا آن کشف تام و کامل از حقایق است و هر کس بر حسب خود می باشد: ﴿لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ﴾، (به او می گویند] واقعاً که از این [حال] سخت در غفلت بودی و ما پرده ات را برداشتیم و دیده ات امروز تیز است).^(۵۲)

﴿وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تِلْكَمُ الْجَنَّةُ أَوْرَثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾، (و هر گونه کینه ای را از سینه هایشان می زداییم از زیر [قصرهای] شان نهرها جاری است و می گویند ستایش خدایی را که ما را بدین [راه] هدایت نمود و اگر خدا ما را رهبری نمی کرد ما خود هدایت نمی یافتیم در حقیقت فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند

۵۰. مختصر بصائر الدرجات: ص ۲۴.

۵۱. السجدة: ۲۱.

۵۲. ق: ۲۲.

و به آنان ندا داده می شود که این همان بهشتی است که آن را به [پاداش] آنچه انجام می دادید میراث یافته اید).^(۵۳)

یعنی از بین بردن (منیت) از سینه ها، و هر کدام بر حسب ظرفیت ظرف خود از این رحمت الهی فیض می برد، و بر اساس اعمال نیکی که انجام داده است، با همان پیمانهاش برای او پیمانها برداشته می شود).^(۵۴)

۵) رجعت در آسمان نخست می باشد:

شاید کسی که نسبت به آسمان اول جاهل باشد گمان می کند که آن آسمانی جسمانی است، یا اینکه آسمان آبی که ما را احاطه کرده است که آن را با چشم می بینیم، همان گونه که بسیاری از مفسرین شیعه و سنی به آن معتقد شدند.

اما حقیقت آن چنین نیست، آن آسمان مثالی است که با چشم دیده نمی شود.

سید احمد الحسن علیه السلام در بیان آن در کتاب (همگام با بنده صالح) فرمودند:

(آسمان نخست با چشم دیده نمی شود خدا به تو توفیق دهد. آسمان دنیا، به آسمان نخست و آسمان جسمانی تقسیم می شود. در آسمان نخست ارواح مردم و در آسمان جسمانی جسم مادی انسان که با چشم قابل رویت است، قرار دارد. این امری است که در کتاب قبلی بیان ساختم،^(۵۵) و همچنین در مورد آن برای انصار بسیار توضیح دادم.

آسمان جسمانی همان آسمانی است که در آن ستارگان، کهکشان ها و خورشید دیده می شود، و همچنین زمین نامیده می شود، به عبارت دیگر آسمان جسمانی بطور کلی، در برخی اوقات زمین نامیده می شود).

و آن عالم دیگری است که با زمان و مکان ارتباطی ندارد، ایشان علیهم السلام می فرمایند:

(... آن هیچ ارتباطی با جهت ها ندارد، در آن زمان و مکان وجود ندارد، و ارتباطی با

زمان و مکان ندارد).

۵۳. الأعراف: ۴۳.

۵۴. المتشابهات: ج ۴ سؤال شماره ۱۷۱.

۵۵. بعنوان مثال به کتاب متشابهات: ج ۴ سؤال شماره ۱۷۵ در مورد آفرینش آسمانها و زمین رجوع شود.

بلکه واژه هائی که در این عالم مورد استفاده قرار می دهیم با دقت از آن تعبیر نمی کند، زیرا آن عالم دیگری است؛ ایشان علیه السلام می فرمایند:

(مشکل این است که آن عالمی دیگر است پس ممکن نیست با دقت کامل با این واژه ها که در حقیقت از این عالم می باشند و این [واژه ها] از این عالم تعبیر می کنند، از آن [عالم] تعبیر کرد،..... جائی که از آن عالم با این واژه ها هر چه باشند نمی توان تعبیر کاملی کرد، زیرا که بیانگر آن نمی باشد، بلکه از آن نیست بلکه این تعبیرها به دور می باشند).^(۵۶)

و همچنین: سید احمد الحسن علیه السلام آشکار کردند که آسمان نخست از هفت آسمانی که در خلقت شش روزه آسمانها و زمین ذکر شده است، می باشد؛ و بیان کردند که رجعت در آن به وقوع می پیوندد. ایشان علیه السلام فرمودند:

(و باید ملاحظه شود که آسمان نخست نهایت و پایان آسمان دنیا می باشد، به عبارت دیگر آسمان دنیا از این عالم جسمانی آغاز شده، و در ابتدای عالم ملکوتی روحانی پایان می یابد، یعنی پایانش حلقه پیوند می باشد، و پایانش یا حلقه پیوند همان آسمان نخست است. در زیارت جامعه آمده است: (... وحجج الله علی أهل الدنيا والآخرة والأولی...))، (حجت های خدا بر اهل دنیا و آخرت و [آسمان] نخست).^(۵۷)

و خداوند در قرآن می فرماید: ﴿وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَكَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾، (و اوست خدا [ای که] جز او معبودی نیست در سرای نخستین و در آخرت ستایش از آن اوست و فرمان او راست و به سوی او بازگردانیده می شوید).^(۵۸)

و نیز می فرماید: ﴿وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ﴾، (و قطعاً پدیدار شدن نخستین خود را شناختید پس چرا سر عبرت گرفتن ندارید).^(۵۹)

در [آسمان] نخست عالم های ذر و رجعت، که ارواح در آن می باشند، پس خداوند

۵۶. کتاب همگام با بنده صالح - یکی از انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام.

۵۷. مفاتیح الجنان ص ۶۲۰.

۵۸. القصص: ۷۰.

۵۹. الواقعة: ۶۲.

سبحان در همان لحظه نخست خلقت هرگز به عالم اجسام نظر نداشته است، همانگونه که رسول الله ﷺ فرمود. همانا نقطه توجه و اهتمام از پایان عالم اجسام که همان پایان آسمان دنیاست، آغاز می شود و این پایان همان آسمان نخست می باشد.

و خداوند می فرماید: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ﴾، (و به راستی بالای سر شما هفت راه آفریدیم و از آفرینش غافل نبوده ایم).^(۶۰)

هفت راه: (آسمان های هفتگانه)، از آسمان نخست تا آسمان هفتم می باشند. و آسمان جسمانی دنیا جز آنها نیست؛ زیرا که آن بالای ما نیست بلکه ما در آن قرار داریم، پس آن ما را احاطه کرده است. (زیر ما و بالای ما و از تمامی جهت های زمین). ﴿يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ﴾، (و شتابزده از تو عذاب می خواهند و حال آنکه جهنم قطعاً بر کافران احاطه دارد).^(۶۱)

و برایت آشکار خواهد شد که چرا این آیه را در این موضع ذکر نمودم. و این بدان معنا است که اگر آسمانها با این جزئیات شمرده شوند هشت آسمان خواهند شد نه هفت آسمان، اما دنیای جسمانی شمرده نشده است، زیرا که آن جزئی از آسمان دنیا به همراه هر آنچه که در آن است از آسمان نخست و آسمان جسمانی می باشد. پس هنگامی که نخست یا دنیا را ذکر کردم پس آن ضمنش می باشد؛ زیرا که جزئی از آن یا تابع آن است.

و آسمان جسمانی یک بار بعنوان (زمین)، و باری دیگر بعنوان (آسمان دنیا) شمرده می شود؛ زیرا که آن از جانب مرئی اش می باشد. و در آسمان جسمانی زمین بلکه هفت زمین موجود می باشند، و در زمین هفتم (جهنم) قرار دارد، همانگونه که بهشت در آسمان دوم قرار دارد، اما در نخستین (بهشت زمینی) موجود می باشد و آن بهشت آدم است؛ زیرا که آسمان نخست همانطور که بیان نمودم آن جزئی از آسمان دنیاست، و ملکوت آن نیز می باشد.

از علی بن ابراهیم، از پدرش، از احمد بن محمد بن ابی نصر، از حسین بن میسر، گوید: از ابا عبد الله امام صادق عليه السلام در مورد بهشت آدم عليه السلام پرسیدم، حضرت فرمود: (آن بهشتی از بهشت های دنیاست که خورشید و ماه در آن طلوع می کنند، و اگر از بهشت های آخرت

۶۰. المؤمنون: ۱۷.

۶۱. العنكبوت: ۵۴.

بود، [آدم] هرگز از آن خارج نمی شد.^(۶۲)

﴿وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا﴾، (و آسمان دنیا را با چراغهایی زینت و حفظ کردیم): و چراغ ها، انبیاء و فرستادگان و اوصیاء علیهم السلام می باشند، از پیروان خود با آموزه ها و اخلاق الهی که به مردم می آموزند در برابر وسوسه های شیاطین محافظت می کنند. و ظهور آنان در آسمان جسمانی به شکل سیاره ها و خورشیدهای درخشان هستند، پس چه فراوان است تاریکی و ظلمت در آسمان، و چه اندکند ستارگان نسبت به ظلمت و تاریکی! همان گونه که چه اندکند انبیاء بر زمین، و چه بسیارند آتھائی که به مخالفت برخاسته و رویگردانی و مبارزه کردند و هرگز به یاریشان نشتافتند. پس همواره انبیاء و اوصیاء و انصارشان اندک می باشند، همچون (اندکی ستارگان در آسمان جسمانی).

و در پایان حرکت فلک اعظم (منظورم قوس نزول است)، و آغاز صعودش به سوی جهت آخرت، تحوّل و دگرگونی این عالم جسمانی به جهنم آغاز و بر افروخته خواهد شد. پس کسانی که زینت و زرق و برق زمین را انتخاب کردند پاداش آنها باز گشتشان به آن چیزی که انتخاب کردند و بخاطرش خدا را عصیان نمودند می باشد، یا اینکه بگوئیم در آن باقی خواهند ماند؛ زیرا که بواسطه اعمال و افعال و ظلمشان، جهنمی فروزان و شعله ور خواهد بود.

و اکنون مصداق آیه ای که پیش تر ذکر کردم، برایت آشکار شد: ﴿يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ﴾، (و شتابزده از تو عذاب می خواهند و حال آنکه جهنم قطعاً بر کافران احاطه دارد).

و در آغاز صعود (قوس نزول) عالم رجعت آغاز می شود، و آن عالمی دیگر و امتحانی دیگر برای کسی که به ایمان محض و برای کسی که به کفر محض رسیده اند، می باشد. و عالم رجعت با پایان حکومت مهدی دوازدهم علیه السلام، قائمی که حسین بن علی علیه السلام بر او خروج می کند، آغاز خواهد شد...^(۶۳)

۶۲. الکافی: ج ۳ ص ۲۴۷.

۶۳. متشابهات: ج ۴ سؤال شماره ۱۷۵.

و سید احمد الحسن علیه السلام نیز می فرمایند:

(لطفاً دقت شود به اینکه رجعت در آسمان دنیا می باشد؛ زیرا که آسمان دنیا به دو آسمان تقسیم می شود: آسمان اجسام و آسمان نخست، و رجعت در آسمان نخست تحقق می یابد. این ملاحظه را از باب تذکر یاد کردم؛ زیرا برخی که نسبت به حقیقت امر جاهل هستند، شاید گمان کنند که آسمان دنیا فقط این آسمان اجسام است، با اینکه این آسمان اجسام تنها جزئی از آسمان دنیا می باشد همان گونه که قبلاً در کتب ذکر نمودم خدا به شما توفیق دهد، بلکه شاید برخی گمان کنند که آسمان نخست همان آسمان اجسام یا جسمانی است با اینکه با آن تفاوت دارد و علی رغم اینکه هر دو در پیدایش آسمان دنیا با هم مشارکت دارند).

و اگر این مسئله واضح گشت، می توانیم معنای و مفهوم "دنیا" که در آن رجعت خواهد بود را در روایت بعدی، در یابیم:

امام صادق علیه السلام می فرماید: (نخستین کسی که زمین به روی او شکافته می شود و به دنیا بر می گردد حسین بن علی علیه السلام است، و رجعت همگانی نیست بلکه خاص است، و فقط کسانی به دنیا باز می گردند که مؤمن محض یا مشرک محض باشند).^(۶۴)

پس دنیا در اینجا عالم اجسام یا آسمان آن نیست، بلکه آن آسمان نخست می باشد، و وجه اطلاق دنیا بر آن واضح گشت.

۶) زمینی که رجعت بر آن تحقق می یابد:

در عطف بیان گذشته، مطرح ساختن سؤالی دیگر، پاسخ آن در فزونی توضیح آنچه گذشت سهیم خواهد بود، که بعد از عرضه داشتن روایت ذیل، با آن آشنا می شویم:

ولید بن صبیح از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: (روزی بر امام علیه السلام وارد شدم

پس ایشان علیه السلام لباس هائی را به من داد و فرمود: ای ولید آن را بر حالت تا شده اش باز گردان، پس من در مقابل ایشان بر خاستم، امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند معلى بن خنيس را رحمت کند. گوید: من گمان کردم که امام علیه السلام بر خاستن مرا به بر خاستن معلى بن خنيس در مقابلشان تشبیه کرد. سپس به من فرمود: اُف بر دنیا اُف بر دنیا، همانا دنیا سرای بلاست، خداوند دشمن خود را بر ولی خود در آن مسلط کرده است، و بعد از آن سرایی (دنیایی) خواهد بود که این چنین نیست. عرض کردم: فدایتان شوم! آن دنیا کجاست؟ فرمود: اینجا سپس با دست خویش به زمین اشاره نمود).^(۶۵)

و اکیداً آن عالم رجعت است. لذا از سید احمد الحسن علیه السلام سؤال شد: منظور ابی عبد الله علیه السلام از اشاره به این زمین چیست؟

ایشان علیه السلام فرمودند: (بلی، خدا تو را توفیق دهد و از خطاء دورت کند، همانا برای زمین تجلی گاههایی در همه آسمان دنیا است که به آسمان نخست که رجعت در آن تحقق می یابد، امتداد دارند، پس رجعت نیز در زمین است هر چند که در تجلی دیگری از زمین به جز این که ما در آن در این عالم جسمانی زندگی می کنیم، باشد).

۷) رجعت یکی از عوالم قوس نزول است:

از سید احمد الحسن علیه السلام در مورد ظلمات سه گانه در فرموده خداوند پرسیده شد:

﴿خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقَكُمْ فِي بَطُونٍ أُمَّهَاتِكُمْ خَلَقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ﴾، (شما را از نفسی واحد آفرید سپس جفتش را از آن قرار داد و برای شما از دامها هشت قسم پدید آورد شما را در شکمهای مادرانتان آفرینشی پس از آفرینشی [دیگر] در

تاریکیهای سه گانه خلق کرد این است خدا پروردگار شما فرمانروایی از آن اوست خدایی جز او نیست پس چگونه [و کجا از حق] برگردانیده می شوید).^(۶۶)

پس در پاسخ خویش، قوس صعود و نزول در حرکت انسان از مبدأ تا مقصد او را آشکار کردند.

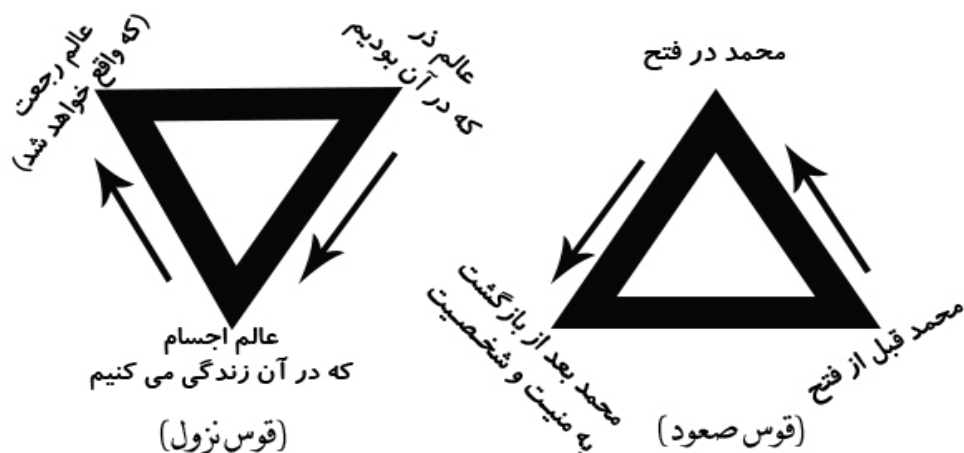
فرمودند: (آن: ظلمتِ ذر، ظلمتِ دنیا و ظلمتِ رجعت می باشند، و آنها عوالم قوس نزول هستند. و عوالم قوس صعود انوار سه گانه می باشند: و آنها: (قبل از فناء شدن و در فناء شدن و بازگشت بعد از فناء است). و آنها مراتب سه گانه محمد قبل از فتح حجاب، بعد از فتح حجاب و بازگشت بعد از حجاب هستند. پس او بین فناء در ذات الهی تا آنجائی که چیزی باقی نمی ماند جز خداوند یگانه قهار و بین بازگشت به منیت و شخصیت خویش بود. و این مراتب ششگانه در قوس صعود و نزول نشانگر کل وجود است، و تجلی نور در ظلمت و ظهور موجودات بواسطه نور در ظلمات است، و آن (واو نزول و واو صعود می باشد) که به شش روز و مراتب ششگانه اشاره دارد.

واو نزول ۶

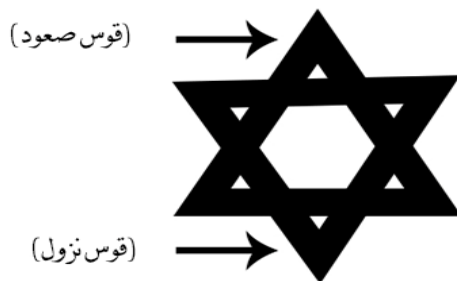
واو صعود ۷

و آن دایره موجود در رأس "واو" بر حیرت موجود در قوس صعود که آن حیرت در نور است دلالت می کند، آن هم به سبب عدم درک و معرفت نور تام که در آن هیچ ظلمت و تاریکی نیست، و او خداوند سبحان و تعالی معرفت تام و کامل است، پس مراتب قوس صعود عبارتند از: قبل از فتح، بعد از فتح و فناء، و سوم بازگشت به منیت و شخصیت بعد از فناء شدن. اما حیرت در ظلمت؛ زیرا که آن در پایین ترین نقطه مراتبش قابل درک نمی باشد و از آن چیزی حاصل نمی شود، بلکه آن ظلمت و عدم است و هیچ سهمی از وجود برای آن نیست مگر قابلیت آن برای وجود، و این حقیقت ماده است، ظلمت و عدمی که از آن هیچ

چیز حاصل نمی شود، و از آن هیچ چیز شناخته نمی شود، اگر چه تجلی شکل ملکوتی در آن و ظاهر ساختن آن نبود، از آن هیچ چیز شناخته نمی شد. پس مراتب قوس نزول عبارتند از: عالم ذر، سپس فرود آمدن به ظلمت ماده، سپس صعود در قیامت قائم علیه السلام تا رسیدن به رجعت که مرتبه سوم می باشد؛ و این تصویر قوس نزول و صعود می باشد:



و از اجتماع و دخالت در همدیگر، کل وجود از ابتداء تا انتهایش حاصل می گردد، و او محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.



پایان فرموده های سید علیه السلام.

و با دخالت در همدیگر قوس نزول و صعود در یکدیگر، نام رسول الله محمد صلی الله علیه و آله و سلم در آنها آشکار می گردد:



۸) رجعت عالمی است که افراد در آن باز می گردند:

در عالم رجعت، آیا تکلیف داران از امتهای باز می گردند یا افراد رجعت می کنند؟ و آیا رجعت برای انس و جن نیز خواهد بود؟ و چه کسانی رجعت خواهند کرد؟

سید احمد الحسن علیه السلام در بیان این مسئله پاسخ فرمودند: (رجعت به انس و جن متعلق می باشد و به امت ها مربوط نمی شود بلکه به افراد. کسانی که خالصانه ایمان آوردند و کسانی که به کفر محض رسیدند رجعت می کنند، به عبارتی دیگر کسانی که برای امتحان در رجعت باز می گردند، پیشوایان عدل و پیروان خاص ایشان هستند، و پیشوایان کفر و پیروان خاص آنان می باشند، و مسأله رجعت و علت آن را در بیش از یک موضع را با جزئیات شرح دادم، آن را مطالعه کن).^(۶۷)

اما آیاتی که در مورد رجعت برخی افراد از امتهای سخن می گویند، بسیار هستند. از جمله:

﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾، (در حقیقت همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد یقیناً تو را به سوی وعده گاه باز می گرداند بگو پروردگرم بهتر می داند چه کس هدایت آورده و چه کس در گمراهی آشکاری است).^(۶۸)

این رجعت رسول الله محمد و آل محمد علیهم السلام می باشد، آنان اهل قرآن هستند.

و خداوند می فرماید: ﴿يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾، (و آن روز که از هر امتی گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده اند محشور می گردانیم پس آنان نگاه داشته می شوند تا همه به هم پیوندند).^(۶۹)

و این آیه در مورد رجعت پیشوایان کفر و پیروان خاص آنان است).^(۷۰)

۶۷. مشاهات ج ۳ سؤال شماره ۱۴۵ و ج ۴ سؤال شماره ۱۷۱ و ۱۷۵.

۶۸. القصص: ۸۵.

۶۹. النمل: ۸۳.

۷۰. جواب های روشنگرانه ج ۳ سؤال شماره ۲۳۵.

۹ رجعت عالمی است که در آن زمان وجود ندارد:

از ابی عبد الله امام صادق علیه السلام در مورد روزی که خداوند سبحان مقدار آن را در قرآن، پنجاه هزار سال ذکر کرده است پرسیده شد: حضرت علیه السلام فرمود: (آن رجعت رسول الله صلی الله علیه و آله است. پس مُلک او در بازگشتش پنجاه هزار سال خواهد بود، و امیر المؤمنین در رجعتش چهل و چهار هزار سال حکومت خواهد کرد).^(۷۱)

و در مورد این روایت و امثال آن، از سید احمد الحسن علیه السلام پرسیده شد: آیا در عالم رجعت، مدت زمانی مانند مدت زمان موجود در این عالم وجود دارد؟

در جواب فرمودند: (مانند زمان این زندگی جسمانی ما وجود ندارد، اما در رجعت حوادث و گذشت زمان آتی پس از آن دیگر وجود دارند که مناسب با آن عالمند، و به این علت است در روایتی که ذکر کردی ملاحظه می کنی که، از روزی استفاده شده است که بیانگر واقعه عروج ملائکه و روح برای بیان مدت زمان در رجعت می باشد. ﴿تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ﴾، (فرشتگان و روح در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است به سوی او بالا می روند)).^(۷۲)

۱۰ اعتقاد به رجعت و مهدیین علیهم السلام:

اخیراً یاوه گوئی‌هایی از طرف برخی گروه های نیمه تعلیم یافته مبنی بر اینکه مهدیین مذکور در وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله همان ائمه دوازده گانه هستند، فزونی یافته است، این گفته برخی از آنهاست. و گفته دیگر این است که بعضی‌ها مهدیین را اوصیاء و حجت های خدا می دانند، اما وجود و نقش آنها فقط در رجعت خواهد بود. و گفته سوم راه های جمع بین روایت های مهدیین و رجعت او را عاجز کردند، پس اذعان داشت که بین دو گروه

۷۱. مختصر بصائر الدرجات ص ۴۹.

۷۲. المعارج: ۴.

از روایات تعارض وجود دارد و روایات رجعت را بر روایات مهدیین مقدم داشت. و در مورد چنین گفته‌هایی، سید احمد الحسن علیه السلام فرمودند: (در هر حال خدا به شما توفیق دهد، روایات متواتر بسیاری وجود دارند که بر وجود دوازده مهدی از فرزندان امام مهدی علیه السلام دلالت می‌کنند و آنها خلفای خدا بر زمین هستند، و همچنین روایات متواتر دیگری بر وجود رجعت دلالت کردند، بنا بر این دو امر عقائدی بر اساس روایات بسیار و متواتر ثابت می‌باشند، و منکر یکی از آنها یا نسبت به حقیقت امر جاهل بوده و عقلش او را در درکشان یاری نمی‌دهد و علمی ندارد تا بین آنها جمع بندی کرده و به شکلی صحیح بین آنها توافق ایجاد کند، یا اینکه متکبر و لجباز است که می‌خواهد خورشید را با غربال پیوشاند، و الا معنای انکار حقیقتی که در روایات بسیار توسط علمای شیعه نسل به نسل روایت شدند، چه مفهومی دارد؟!).

اما کسی که از جهل و نادانی می‌گوید: مهدیین فقط در رجعت می‌باشند، قطعاً جاهل بوده و بیهوده گو و دچار سر در گمی می‌باشد؛ زیرا رجعت تنها برای کسانی است که قبل از آن در این عالم جسمانی زندگی کرده اند، و با توجه به اینکه رجعت برای کسانی که ایمان محض داشتند پس مهدیین از جمله کسانی می‌باشند که در این عالم جسمانی قبل از رجعتشان، ایمان محض داشتند.

بنا بر این، کسی که از وجودشان در عالم رجعت سخن گوید، ثابت می‌کند که آنان نقشی مهم و اساسی در این عالم جسمانی دارند، و چنین گفته‌ای دوباره به او باز می‌گردد، پس هنگامی که رجعتشان بعنوان حجت‌های الهی بر خلق را ثابت کرد در این حالت نیز نقش آنان بعنوان حجت‌های الهی در عالم جسمانی را ثابت نموده است، پس نقششان به عنوان حجت‌های الهی در عالم جسمانی در کجا می‌باشد؟ آیا بعد از ائمه دوازده گانه نیست؟!.

اما کسی که از حد بلاهت و بی‌خردی گذشته، می‌گوید: مهدیین همان ائمه می‌باشند، گمان می‌کنم این سخن ارزش پاسخ دادن هم ندارد! پس روایات بسیار واضح‌ند که مهدیین از فرزندان قائم و از فرزندان حسین و از فرزندان علی و فاطمه می‌باشند پس چگونه همان ائمه می‌باشند و روایات ذکر می‌کنند که آنان از ذریه امام حسین علیه السلام هستند، آیا حسن یا علی از ذریه حسین می‌باشند؟! و چگونه خود ائمه دوازده گانه می‌باشند در حالیکه روایات ذکر کردند که آنها از ذریه امام مهدی علیه السلام می‌باشند، پس آیا علی و حسن و حسین و ائمه از

فرزندان امام مهدی علیه السلام هستند؟!

در حقیقت این گفته ها تعبیر از بی خردی گوینده دارند.

علاوه بر آن، روایات به وضوح امر و زمان مهدیین را ذکر کرده اند که بعد از ائمه علیهم السلام می باشند و هرگز از وجودشان در رجعت سخن نگفته اند، و حتی یک روایت هم پیدا نمی شود که بگوید آنان فقط در رجعت خواهند بود، پس این سخنان بیهوده و بی خردانه را از کجا آوردند که هر کس کلام آنها را می شنود در می یابد که خداوند عقول این قوم را سلب کرده است و خدا را برای نعمت عقلی که به او ارزانی کرده را سپاس می گوید).

و نیز فرمودند: (... و همچنین بدان: مهدیین از نشانه های ساعت و میقات آن هستند، و با آخرین مهدی، این عالم جسمانی پایان می یابد و عالم رجعت آغاز می شود و سپس قیامت فرا می رسد. ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾، (در باره هلاها از تو می پرسند بگو آنها گاه شماری برای مردم و حج اند و نیکی آن نیست که از پشت خانه ها در آید بلکه نیکی آن است که کسی تقوا پیشه کند و به خانه ها از در آنها در آید و از خدا بترسید باشد که رستگار گردید) (۷۳)... (۷۴)

(۱۱) برای رجعت روزی معلوم، مانند این عالم خواهد بود:

کسی که بیان بعضی رویدادهای مهم در روایات را مورد مطالعه قرار دهد در می یابد که، آنها یک بار اشاره به این عالم جسمانی داشته و باری دیگر به عالم رجعت اشاره دارند. همچون قضیه کشته شدن ابلیس، گمراه کننده امت ها (لع).

روایت شده است که قائم علیه السلام، ابلیس (لع) را در روز معلوم، در مسجد کوفه به قتل می

رساند:

۷۳. البقرة: ۱۸۹.

۷۴. متشابهات: ج ۴ سؤال شماره ۱۸۰.

و هب بن جمیع مولای اسحاق بن عمار گوید: (از امام صادق علیه السلام درباره گفته ابلیس: ﴿قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ * قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾، (گفت پروردگارا پس مرا تا روزی که بر انگیزته خواهند شد مهلت ده * فرمود تو از مهلت یافتگانی * تا روز وقت معلوم).^(۷۵) سؤال نمودم، پس عرض کردم: فدایتان شوم، مقصود چه روزی است؟ فرمود: ای وهب، آیا گمان کردی منظور روز قیامت است؟ منظور روز قیام قائم ماست. خداوند ابلیس را تا روز قیام قائم ما مهلت داده است و چون آن حضرت قیام کند و به مسجد کوفه تشریف فرما شود، شیطان می آید و دو زانو جلو آن حضرت می نشیند و می گوید وای بر من از این روز! سپس حضرت پیشانی او را می گیرد و وی را گردن می زند. این است آن روزی که به او وعده داده شده است).^(۷۶)

و در روایت دیگر کشته شدن ابلیس به دست رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در روز معلوم ذکر شده است:

از عبد الکریم بن عمرو خثعمی نقل کرده که گفت: (از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: ابلیس به خداوند گفت: ﴿قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ﴾، (مرا تا روز قیامت مهلت ده)، خدای سبحان خواسته او را نپذیرفت و فرمود: ﴿قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾، (فرمود تو از مهلت یافتگانی * تا روز وقت معلوم)، پس زمانیکه روز وقت معلوم فرا رسد ابلیس که لعنت خدا بر او باد با همه پیروانش از زمان آفرینش حضرت آدم تا آن روز، پدیدار می شود، آن هنگام آخرین رجعتی است که امیر المؤمنین علیه السلام انجام می دهد. به آن حضرت عرض کردم: آیا رجعت بار دیگر تکرار می شود؟ فرمود: آری، رجعت چندین و چندین بار است هیچ امام و پیشوایی در هیچ قرنی نیست مگر اینکه افراد مؤمن و نیکوکار و انسانهای تبهکارِ زمانِ خودش با او رجعت می کنند، تا اینکه خداوند بوسیله مؤمن از کافر انتقام بگیرد، آن زمان که روز وقت معلوم فرا برسد امیر المؤمنین علیه السلام با یاران خود رجعت دارد و ابلیس و هوا دارانش نیز می آیند، و میعاد گاه آنان در زمینی از زمین های فرات است به نام "روحا" نزدیک کوفه شما، آنان با یکدیگر آنچنان نبردی می کنند که از زمانی که

۷۵. الحج: ۳۸-۳۶.

۷۶. بحار الأنوار ج ۶۰ ص ۲۵۴.

خداوند جهانیان را آفریده بی سابقه بوده است، گویی به یاران امیر المؤمنین علیه السلام می نگرم که صد گام به عقب بر می گردند، و گویی می بینم که قسمتی از پاهای آنان داخل فرات شده است، در این هنگام تجلی خدای جبار عز و جل ﴿فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْعَمَامِ وَالْمَلَائِكَةِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ﴾، (بوسیله قطعه به هم پیوسته‌ای از ابر و فرشتگان فرود می آید) و وعده عملی می شود؛ و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سلاحی از نور در دست دارد، هنگامی که ابلیس به آن حضرت می نگرد به عقب بر می گردد و عقب می نشیند. یارانش به او می گویند: کجا می خواهی بروی، تو پیروز شده‌ای؟ ابلیس می گوید: ﴿إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ﴾، (من چیزی می بینم که شما آن را نمی بینید، من از خدا پروردگار جهانیان بیم دارم)، در اینجا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با او در گیر می شود حربه ای بر میان کتف او فرود می آورد، که هلاک ابلیس و هلاک کلیه اتباعش او را در پی خواهد داشت، در این زمان خدای عز و جل (به حق) عبادت می شود و نسبت به او شرک ورزیده نمی شود، و امیر المؤمنین علیه السلام مدت چهل و چهار هزار سال حکومت می کند، تا آنجا که از هر مرد شیعه و پیرو علی علیه السلام هزار فرزند پسر بوجود آید، و در این هنگام دو باغ سر سبز و سیاه فام در کنار مسجد کوفه و اطراف آن آنگونه که خدا بخواهد پدیدار می گردند).^(۷۷)

و این شبهه ای بود که سید احمد الحسن علیه السلام در کتب شریف و پاسخ های ایشان به رفع و حل آن ها پرداختند.

درباره آیه ابر موجود در روایت، فرمودند:

(و خداوند می فرماید: ﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْعَمَامِ وَالْمَلَائِكَةِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾، (مگر انتظار آنان غیر از این است که خدا و فرشتگان در [زیر] سایانهایی از ابر سپید به سوی آنان بیایند و کار [داوری] یکسره شود و کارها به سوی خدا بازگردانده می شود).^(۷۸)

و کسی که در سایه ابرها می آید، محمد (تجلی گاه الله در خلق) در رجعت می باشد که در دست خویش سلاحی از نور دارد و ابلیس (لع) را می کشد، پس پاک و مژه است

۷۷. مختصر بصائر الدرجات: ص ۲۷.

۷۸. البقرة: ۲۱۰.

خداوند متعال از رفت و آمد یا حرکت که اینها از صفات مخلوق می باشند... (۷۹).

سپس روایت قبلی ختعمی ذکر شد.

سپس از سید احمد الحسن علیه السلام سؤال شد: در بیشتر از یک آیه کریمه می بینیم که ائمه

هدایت علیهم السلام آیه را درباره این عالم و عالم رجعت تفسیر می کنند، حکمت آن چیست؟

ایشان علیه السلام فرمودند: (روز وقت معلوم روز قیام قائم است که ابلیس در آن روز کشته می

شود، همانگونه که روایت شده است که قائم او را در مسجد کوفه به قتل می رساند، اما از

آنجائی که رجعت تکرار امتحان برای برخی خلق که به ایمان محض و کفر محض داشتند، است،

ابلیس ملعون گمراه کننده خلق نیز به همراه آنان باز می گردد؛ زیرا از جمله کسانی است که به

کفر محض رسیده است، و زیرا که او یکی از افراد مورد آزمایش در امتحان الهی می باشد. و

در نتیجه نیز در رجعت روز معلوم دیگر وجود دارد، یا به عبارت دیگر تکرار روز معلوم

حقیقی_اصلی_ که در زندگی جسمانی بوده است.

رجعت، نامش دال بر خودش است خدا به تو توفیق دهد، آن رجعت است به معنای

تکرار. قومی که مردند باز می گردند، امتحانی که به پایان رسید تکرار می شود، روزهایی

که گذشتند باز می گردند..... پس اگر هنگام قیام قائم برای ابلیس روز معلومی باشد

همانگونه که در روایات آمده است و امر به پایان رسید، و قائم علیه السلام در این روز ابلیس را به

قتل رساند، سپس رجعت صورت گرفت و ابلیس رجعت نمود به اعتبار اینکه او از جمله کسانی

است که به کفر محض رسیده است، پس آیا بعد از بازگشتش تا روز قیامت همانگونه که او

طلب کرد رها و به حال خود باقی گذاشته خواهد ماند؟! یا اینکه روز معلوم در عالم رجعت

بر اساس آنچه که مناسب آن عالم [رجعت] است بار دیگر بر او تکرار می شود و بر اساس

روایت، قاتل او در رجعت رسول الله صلی الله علیه و آله خواهد بود!.

و همچنین فرمودند: (قتل اول: در ظهور قائم علیه السلام و قیامت صغری در این دنیا است، آنجائی

که قائم علیه السلام او را در هنگام ظهور حق در مسجد کوفه به قتل رسانده و در جهنم می افکند.

و قتل دوم: در رجعت (رجعت اول) که بعد از پایان یافتن حکومت مهدی دوازدهم و

رجعت حسین بن علی علیه السلام بر او آغاز می گردد، و علی بن ابی طالب علیه السلام و همه کسانی که

ایمان محض داشتند و کسانی که کفر محض ورزیده اند، باز می گردند، و ابلیس (لعنه الله) نیز باز می گردد؛ زیرا از جمله کسانی است که به کفر محض رسیده و به دست رسول الله ﷺ کشته خواهد شد، همانگونه که در روایت دوم آمده است).^(۸۰)

۱۲) رجعت دو رجعت است:

رجعت نخستین در قالب مانند و نظیر است، که در هنگام قیام قائم عجل الله فرجه خواهد بود. و رجعت دوم با روح و جسدی که مناسب آن باشد خواهد بود، که در این مختصر بعنوان عالم و روزی دیگر از روزهای بزرگ خدا در مورد آن سخن می گوئیم، که پیش تر واضح گشت که در آسمان نخست خواهد بود.

همانا جهل علماء نسبت به این حقیقت مهم، علت و سبب عدم فهمشان در مورد امر رجعت و ظهور گفته های متعدد و دور از حق و حقیقت بود، که از آن بعضی بیان شد.

سید احمد الحسن عجل الله فرجه در بیان دو رجعت فرمودند: (... رجعت دو تا می باشند: رجعت و بازگشت در هنگام قیام قائم عجل الله فرجه در قالب مثال و شباهت به آنها، و رجعتی در عالم رجعت "نخست"^(۸۱) با ارواح و کالبدی مناسب با آن عالم، بعد از اینکه خداوند آنان را نسبت به حال خویش و امتحان اول و دوم خود، دچار نسیان و فراموشی می سازد).^(۸۲)

و در مورد بیان آن نیز می فرمایند:

(... اما آنچه که در مورد اصحاب کهف روایت شده است که با قائم عجل الله فرجه مبعوث می شوند، آنها بعضی از مخلصان از اصحاب رسول الله ﷺ، و اصحاب امیر المؤمنین علی عجل الله فرجه همچون مالک الأشرم می باشند، و منظور خود به شخصه نمی باشند، بلکه مُراد در این روایات

۸۰. متشابهات: ج ۴ سؤال شماره ۱۷۷.

۸۱. اشاره به فرموده حق تعالی: ﴿وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾، (و اوست خدا [بی که] جز او معبودی نیست در این [سرای] نخستین و در آخرت ستایش از آن اوست و فرمان او راست و به سوی او بازگردانیده می شوید). القصص: ۷۰.

۸۲. همگام با بنده صالح - یکی از انتشارات انصار امام مهدی عجل الله فرجه

نظیر و امثال آنان از اصحاب قائم علیه السلام هستند، به عبارتی دیگر مردی از اصحاب قائم علیه السلام نظیر مالک الأشر در شجاعت، جسارت، فرماندهی، و دلسپاری به ذات الهی و اطاعت از خداوند و اخلاق نیک و بسیاری از صفات و ویژگی های بارز دیگر که مالک الأشر به آنها شهرت داشت، خواهد بود، به همین علت ائمه او را مالک اشتر توصیف می کنند.

و این امر از اهل بلاغت و فصاحت و سروران اهل بیت علیهم السلام به دور نیست، همچون شاعر حسینی که آمدن علی اکبر به میدان جنگ را به آمدن محمد صلی الله علیه و آله به میدان را تشبیه می کند، و آن به دلیل شباهت خلق و خلقت علی اکبر به رسول الله صلی الله علیه و آله است. با وجود اینکه اصحاب ائمه که به حق محض رسیده اند در رجعت، بعد از حکم دوازدهمین مهدی، در زمان آخرین آنان که او آخرین قائم به حق از آل محمد که حسین بن علی علیه السلام بر او خارج می شود و این آخرین مهدی یا آخرین قائمی می باشد که هیچ فرزندی برای او نیست، باز می گردند و رجعت خواهند کرد).^(۸۳)

و این مقطع، رجعت در قالب مثال و شبیه را نیز توضیح می دهد، که در کتاب (محکمات در حقانیت وصی، احمد الحسن) یکی از انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام ایراد شده است:

(... و اما رجعت در قالب مثال و شبیه رجعتی است که در روزهای قائم علیه السلام و دعوت بزرگ الهی او تحقق می یابد، و برخی روایات که بر آن تأکید می کنند، عبارتند از:

از ابی مروان می گوید: (از ابا عبد الله علیه السلام در مورد فرموده خداوند پرسیدم: ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَيَّ مَعَادٍ﴾، (در حقیقت همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد یقیناً تو را به سوی وعده گاه باز می گرداند)،^(۸۴) گوید: حضرت فرمود: به خداوند سوگند چنین نیست، دنیا به پایان نمی رود تا اینکه رسول الله صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام در ثویه گرد هم آیند و با هم دیگر ملاقات می کنند و مسجدی در ثویه می سازند که دوازده هزار درب دارد. ثویه موضعی در کوفه است).^(۸۵)

و آن مسجدی است که قائم علیه السلام در روزهای خویش می سازد، آن هنگام که مردم به او

۸۳. متشابهات ج ۲ سؤال شماره ۷۲.

۸۴. القصص: ۸۵.

۸۵. بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۱۱۴-۱۱۳.

عرض می کند: (... مسجد گنجایش و ظرفیت ما را ندارد، پس حضرت به آنان می فرماید: به سوی شما باز می گردم. پس به طرف غری خارج شده و در آن نقشه مسجدی را می کشد که هزار درب دارد و مردم را در بر می گیرد).^(۸۶)

و منظور از رسول الله ﷺ و علی علیه السلام در حدیث قبلی، نظیر آنان می باشند، به طوری که آمدن آنان به مانند آمدن رسول الله ﷺ و علی علیه السلام است.

و رجعت در قالب مانند و شباهت را در فرموده امام صادق علیه السلام می یابیم که فرمود: (قائم علیه السلام از پشت کوفه به همراه بیست و هفت نفر خارج می شود که پانزده تن از آنان از قوم موسی علیه السلام می باشند کسانی که به حق هدایت می کردند و عدالت را پیشه خود می ساختند، و هفت نفر از اصحاب کهف و یوشع بن نون، و سلمان و ابا دجانة انصاری و مقداد و مالک الأشتر نیز حضور دارند، که در بین دستان قائم علیه السلام به عنوان انصار و حکومتداران قرار می گیرند).^(۸۷)

به عبارتی دیگر یعنی: از انصار امام مهدی علیه السلام کسانی هستند که شبیه و مانند این اشخاص مذکور در روایت می باشند نه اینکه خود آن اشخاص بار دیگر باز گردند!

و برای اطمینان و تأکید بیشتر درباره این دو روز (روز قائم و روز رجعت)، می توانی به خواندن و تدبیر در روایت قبلی [روایت خثعمی] پردازی که بیان می کند رسول الله ﷺ همان کسی است که در روز معلوم سلاحی از نور، بر پیکر ابلیس فرود می آورد و او را هلاک می کند، و از سوی دیگر روایات دیگر می گویند: قائم علیه السلام ابلیس را در مسجد کوفه به قتل می رساند، پس در می یابیم که ابلیس در روز معلوم در عالم رجعت به دست رسول الله ﷺ کشته می شود، و قائم علیه السلام در هنگام قیام حق او را در مسجد کوفه و در این عالم به قتل می رساند، و آن روز رجعت در قالب مثل و شباهت می باشد، همانگونه که توضیح دادیم). **پایان.**

و اگر از وجود دو شخص شبیه و نظیر رسول الله ﷺ و امیر المؤمنین علیه السلام در زمان ظهور مقدس آگاه شدیم، آیا مردم خلیفه ای از خلفای الهی بر زمین جز امام مهدی محمد بن حسن

۸۶. بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۳۳۱.

۸۷. ارشاد شیخ مفید ج ۲ ص ۳۸۶.

العسگری عليه السلام و فرزند و وصی اش مهدی اول (احمد) اولین ایمان آورندگان و نزدیکان به ساختش، طبق وصیت رسول الله صلی الله علیه و آله را می یابند؟!

۱۳) جنبه زمین (دابة الأرض) در رجعت و در این عالم:

خداوند می فرماید: ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾، (و چون قول [عذاب] بر ایشان واجب گردد جنبه‌ای را از زمین برای آنان بیرون می‌آوریم که با ایشان سخن گوید که مردم به نشانه‌های ما یقین نداشتند).^(۸۸)

و از سید احمد الحسن عليه السلام در مورد معنای این آیه پرسیده شد، ایشان عليه السلام فرمودند: (... مردی به امام صادق عليه السلام عرض کرد: (به من خبر رسیده است که عامه این آیه را این گونه می‌خوانند «تُكَلِّمُهُمْ»؛ یعنی به آنها زخم و جرح وارد می‌سازد، ایشان فرمود: خداوند به آنها در آتش جهنم زخم و ضربه بزند، این آیه تنها از «تُكَلِّمُهُمْ» به معنای کلام و سخن است).^(۸۹)

و امام رضا عليه السلام درباره فرموده خداوند: ﴿أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ﴾ فرمود: او علی عليه السلام است).^(۹۰)

پس جنبه در این آیه انسان است، و روایاتی بیان ساختند که او علی بن ابی طالب عليه السلام می باشد، و در رجعت خواهد بود، پس علی عليه السلام جنبه زمین در رجعت که با مردم سخن می گوید است، که با آیات خدا مؤمن را از کافر آشکار می سازد. و قبل از رجعت قیام قائم عليه السلام، نیز جنبه ای وجود دارد که (با مردم سخن می گوید)،^(۹۱) و ضعف ایمانشان به آیات و نشانه های الهی در ملکوت آسمان ها که همان رؤیا و مکاشفه در بیداری است را برایشان آشکار می کند، و بیان می کند که بسیاری از مردم در طول زندگی انسانیت خود بر این

۸۸. النمل: ۸۲.

۸۹. بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۵۳.

۹۰. بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۵۳ - مدينة المعاجز بحرانی ج ۳ ص ۹۰.

۹۱. استاد احمد الخطاب (از انصار امام مهدی عليه السلام) این مورد را با جزئیات کامل مورد بحث قرار داد. به کتاب (انقلابگر مشرق و جنبه زمین) مراجعه شود.

زمین، بیشترشان به آیات و نشانه های ملکوتی خداوند یقین ندارند و به رؤیا و مکاشفه و گواهی در ملکوت آسمانها ایمان نمی آورند؛ زیرا نظر خود را به این زمین و ماده آن محدود ساختند، و مقصد و منتهای دانش آنها آن می باشد و چیزی جز آن را به حساب نمی آورند، ﴿ذَلِكَ مَبْلُغُهُمْ مِّنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَن اهْتَدَى﴾، (این منتهای دانش آنان است پروردگار تو خود به [حال] کسی که از راه او منحرف شده داناتر و او به کسی که راه یافته [نیز] آگاه تر است). (۹۲). (۹۳)

و درباره جنبه زمین که در ظهور مقدس خروج می کند، روایات بسیاری ذکر شده اند از جمله:

از امام صادق علیه السلام در حدیثی طولانی فرمود: (... سپس جنبه زمین بین رکن و مقام خروج می کند، بر چهره هر مؤمنی می نویسد که: مؤمن است، و بر چهره هر کافری می نویسد که: کافر است، سپس سفیانی ظهور می کند و به همراه سپاهش راهی عراق می شود... و زوراء را ویران می کند و آن را ویران شده رها می کند، و کوفه و مدینه را خراب می سازد... سپس به سوی سرزمین بیداء خروج می کند... پس زمین آنان را می بلعد...). (۹۴)

از علی بن ابراهیم بن مهزیار، از امام مهدی علیه السلام نقل می کند: (... به امام علیه السلام عرض کردم: ای مولای من، این امر چه وقت خواهد بود؟ فرمودند: آن هنگام که بین شما و راه کعبه حایل ایجاد شود و ماه و خورشید گرد هم آیند و ستارگان به دور آنها جمع شوند. عرض کردم: چه هنگام ای فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؟ به من فرمودند: در سال فلان و فلان، جنبه ای از زمین در بین صفا و مروه خروج می کند که انگشتر سلیمان و عصای موسی را به همراه دارد، تا مردم را به سوی محشر سوق می دهد). (۹۵)

۹۲. النجم: ۳۰.

۹۳. متشابهات ج ۴ سؤال شماره ۱۴۵.

۹۴. رجعت - آستر آبادی ص ۱۰۰.

۹۵. بشارة الإسلام: ص ۲۳۶.

و بسیار واضح است که این جنبنده الهی، مردی است که قبل از امام مهدی علیه السلام و قبل از ظهور سفیانی خروج می کند، و واضح شد که شبیه و نظیر علی علیه السلام در عصر ظهور همان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام و یمانی ایشان درود خدا بر آنان باد، می باشد.

و لذا سید احمد الحسن علیه السلام فرمودند: (... و در برخی روایات از قائم علیه السلام به عنوان علی بن ابی طالب یا جنبده زمین تعبیر شده است، و آن لقبی مشترک بین قائم و علی بن ابی طالب می باشد).^(۹۶)

اما به چه دلیل مهدی اول شبیه جدش امیر المؤمنین علیه السلام شد، و برخی از القاب ایشان بر او اطلاق شده اند، همانگونه که در اطلاق لقب (جنبده زمین) در یافتیم؟

سید احمد الحسن علیه السلام در کتاب (همگام با بنده صالح) در توضیح آن فرمودند:

از عبایه اسدی گوید: (شنیدم امیر المؤمنین علیه السلام در حالی که تکیه کرده است و من ایستاده بودم فرمود: در مصر منبری بنا خواهم نمود، و دمشق را سنگ سنگ آزاد می کنم، و یهود و نصاری را از سرزمین های عرب بیرون خواهم راند، و عرب را با این عصای خود [به طرف حق] سوق خواهم داد. عبایه می گوید: من عرض کردم: یا امیر المؤمنین! گویی شما خبر می دهید که بعد از مردن بار دیگر زنده می شوید و این کارها را انجام می دهید! فرمود: هیئات ای عبایه! مقصود من از این سخنان آن گونه که تو خیال کردی نیست؛ مردی از من اینها را انجام خواهد داد).^(۹۷)

پس امیر المؤمنین علیه السلام فعلی که در آینده انجام خواهد شد را به خود نسبت می دهد، در حالی که انجام دهنده مستقیم این فعل مردی از فرزندان او می باشد، پس وجه آن چیست؟

در مورد این امر از ایشان علیه السلام پرسیدم و عرض کردم: در بسیاری روایات ذکر شده است که همواره امام افعال را به خویش نسبت می دهد در حالی که منظور ایشان امامی دیگر از فرزندان او است، مانند "مُکَلِّمِ موسی" و "مردی از من اینها را انجام خواهد داد". آیا صحت نسبت تنها در این است که امام از او می باشد یا موضوع دیگری در میان است؟ و آیا با وحدت و یگانگی نورشان در آسمان هفتم پیوند و ارتباطی وجود دارد؟

۹۶. جواب های روشنگرانه ج ۶ سؤال ۵۲۹.

۹۷. بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۶۰-۵۹.

ایشان علیه السلام به من فرمودند: (خدا به تو توفیق دهد، در این عالم جسمانی، آری ایشان از اوست؛ زیرا که از ذریه اش می باشد، و در آسمان هفتم نیز از اوست؛ زیرا [در درجه ای] کمتر از او و جزئی از حقیقتش می باشد).^(۹۸)

۱۴) رجعت خلفای الهی و شیعیانشان:

این برخی از روایات در بیان رجعت از آل محمد می باشند:

جابر بن یزید از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: (همانا امام علی علیه السلام و فرزندش حسین بن علی علیه السلام بر می گردند تا اینکه از معاویه و امیه انتقام بگیرند، سپس خداوند انصار او را در آن روز از اهل کوفه سی هزار نفر و از بقیه مردم هفتاد هزار نفر مبعوث می کند و آنها را مجدداً مانند صفین می یابد و آنها را می کشد و هیچ مخبری از آنها نمی ماند، سپس خداوند متعال آنها را با شدیدترین عذاب همراه فرعون و آل فرعون مبعوث می کند، سپس بار دیگر همراه رسول الله می آیند تا خلیفه در زمین شوند و ائمه همکاران ایشان می باشند تا اینکه خداوند به طور آشکار عبادت شود، همانگونه که عبادت مخفیانه ای داشت، سپس فرمود: پس عطاء می کند خداوند متعال به نبی گرامی چندین برابر از آنچه از ابتدای خلقت دنیا تا پایان آن به جمیع اهل دنیا داده شده است تا اینکه آشکار گردد برای ایشان آنچه که در کتاب خود به او وعده داده بود ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾، (تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند هر چند مشرکان خوش نداشته باشند) صورت گیرد).^(۹۹)

و جابر از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: (امام حسین علیه السلام قبل از شهادت به اصحاب خود فرمود: پیامبر خدا به من فرمودند: ای فرزندم! تو [روزی] به عراق گسیل خواهی شد و آن سرزمینی است که پیامبران و اوصیای پیامبران در آن گرد هم آمده و با هم ملاقات کرده اند. آن زمین «عمورا» نامیده می شود و تو در آنجا شهید می شوی و گروهی از

۹۸. کتاب همگام با بنده صالح - یکی از انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام.

۹۹. مختصر بصائر الدرجات ص ۲۹.

یارانت به همراه تو شهید می‌شوند. آنان از [ضربت شمشیر و] تماس آهن [بر بدنهایشان] هیچگونه دردی را احساس نمی‌کنند. سپس آیه‌ی شریفه را تلاوت کرده و فرمودند: ﴿يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ﴾، (ما گفتیم: ای آتش! بر ابراهیم سرد و سلامت باش).^{۱۰۰} جنگ بر تو و آن گروه سرد و سلامت خواهد بود. سپس امام حسین علیه السلام به یاران خود فرمود: اکنون بشارت دهید، چرا که به خدا قسم اگر ما را بکشند، ما بر پیامبر خود وارد می‌شویم. [بعد از آن] فرمود: من بعد از کشته شدن، آن مقدار که خداوند اراده کند، درنگ خواهم کرد و اولین نفری خواهم بود که زمین بر او شکافته می‌شود و خارج می‌شوم به خروجی که با خروج امیر المؤمنین علیه السلام و قیام قائم ما (عج) و زندگی رسول الله همزمان خواهد بود. سپس نمایندگان از آسمان از نزد خدا برای من فرود می‌آیند که تا آن وقت ابداً فرود نیامده‌اند و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و لشکر فرشته‌ها برای من نازل می‌شوند. حتماً محمد و علی علیه السلام نازل می‌شوند و من و برادرم و تمامی آنان که خداوند به آنها منت گذاشته است، فرود می‌آیند، بر مرکب‌هایی از مراکب خدا، اسبانی سفید پیشانی و نورانی که هیچ مخلوقی تاکنون سوار آنها نشده است، سپس محمد پرچم خود را به اهتزاز در می‌آورد و همراه شمشیر خود به قائم علیه السلام ما تحویل می‌دهد، بعد از آن مقدار که خدا خواهد می‌مانیم و خداوند از مسجد کوفه چشمه‌هایی از روغن و آب و شیر بیرون می‌آورد، سپس امیر المؤمنین علیه السلام شمشیر رسول الله را به من می‌دهد و مرا به مشرق و مغرب می‌فرستد. پس به سوی دشمن خدا نمی‌روم، مگر این که خونش را می‌ریزم و بتی رها نمی‌کنم مگر اینکه آن را بسوزانم).^(۱۰۱)

و در مورد این روایات و امثال آنها از سید احمد الحسن علیه السلام پرسیده شد:

رجعت ائمه چگونه خواهد بود؟ و آیا در یک بُرهه زمانی رجوع می‌کنند؟

و آیا رجعتشان از نظر ترتیب و از لحاظ پدری و فرزندی به همان ترتیبی است که در این

عالم است؟

مثلاً: روایت شده است، اولین کسی که رجعت می‌کند، امام حسین علیه السلام است، آیا بار

۱۰۰. الأنبياء: ۶۹.

۱۰۱. مختصر بصائر الدرجات ص ۳۷.

دیگر به عنوان فرزند امام علی علیه السلام و جدش رسول الله صلی الله علیه و آله و الخ رجعت می کند؟
و آیا مردمی که رجعت می کنند با رابطه پدری، فرزندی، همسری و دوستانه و مشابه آن
باز می گردند؟

ایشان علیه السلام فرمودند: (رجعت عالم دیگری است و با این عالم جسمانی متفاوت می باشد،
و در نهایت جزئیاتش با این عالم جسمانی نیز متفاوت می باشد، و در مورد وابستگی های
فرزندی و پدری و ارتباط اجتماعی در حال حاضر برای این عالم از لازمه و ضروریات می
باشد.

خداوند به شما توفیق دهد، رجعت امتحانی دیگر برای کسانی که ایمان خالص و کفر محض
داشتند، می باشد و اگر امتحان و آزمایش نباشد رجعت معنایی نخواهد داشت، بلکه در این امر
حکمتی وجود خواهد داشت اگر چه امتحان و آزمایشی نباشد، و در گذشته علل اینکه آن
امتحانی دیگر است را بیان کردم، و در نهایت، عالم رجعت عالم دیگری است که خداوند باید
کسی که وارد آن عالم می شود را نسبت به حال سابقش دچار غفلت کند؛ تا همگان عادلانه
وارد امتحان شوند و همان فرصت شکست و پیروزی به آنها داده شود.

پس اگر امر اینگونه باشد، در باره کدام نام ها سؤال می کنی، خداوند تو را توفیق دهد!
آنان اصلاً از حال سابق و از امتحان قبلی خود به کلی غافل می شوند، همانگونه که خداوند
مردم را در این عالم جسمانی، نسبت به حال سابق و امتحان قبلی خود، در عالم ذر دچار
فراموشی کرده است:

﴿نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ * عَلَىٰ أَنْ تُبَدَّلَ أَمْثَالِكُمْ وَتُنشَأَ فِي مَا لَا
تَعْلَمُونَ * وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ﴾، (ماییم که میان شما مرگ را مقدر کرده ایم
و بر ما سبقت نتوانید جست * امثال شما را به جای شما قرار دهیم و شما را آنچه نمی دانید
پدیدار گردانیم * و قطعاً پدیدار شدن نخستین خود را شناختید پس چرا سر عبرت گرفتن
ندارید). (۱۰۲)

به فرموده خداوند توجه کن: (شما را آنچه نمی دانید پدیدار گردانیم * و قطعاً پدیدار شدن
نخستین خود را شناختید پس چرا سر عبرت گرفتن ندارید).

دقت کن که خداوند می فرماید: (شما را آنچه نمی دانید پدیدار گردانیم) و این امر در رجعت می باشد، جایی که، آن کس که وارد آن عالم می شود، مستلزم غفلت درباره حال گذشته خویش و ورود به عالم جدید می باشد که چیزی در مورد آن نمی داند، و اگر خواهان مثالی برای این حال آینده می باشید، همانا در گذشته رخ داده است و آن عالم ذر می باشد، و شما در آن بودید و می شناختید و خداوند در آنجا شما را مورد امتحان قرار داد، اما اکنون بطور کامل آن را فراموش کرده اید و به یاد نمی آورید، چرا؟! (و قطعاً پدیدار شدن نخستین خود را شناختید پس چرا سر عبرت گرفتن ندارید).

و پاسخ آن: زیرا خداوند شما را از به یاد آوردن غافل نمود آن هنگام که شما را در حجابهای جسمانی قرار داد، و در این امر همگان یکسان می باشند؛ زیرا خداوند عدالتگر است، و اگر امر برای همگان حتی خلفای الهی بر زمین یکسان نبود، پس فضل و برتری برای خلفای خدا در چیست که در امتحان پیروز شوند زیرا که خدا آنها را غفلت زده نکرد؟ آری، ممکن است انسان حال و وضع سابقش را به یاد آورد بعد از اینکه امتحان خود را بگذراند و خالص گردد و معرفت یابد، اما ممکن نیست بدون عمل و امتحان نسبت به حال سابقش شناخت حاصل کند، زیرا تعریف ابتدائی همان لغو امتحان است و این غیر عادلانه است زیرا که در آغاز بدون عمل نسبت به کس دیگر برتری داده شد، و این مخالف حکمت است، زیرا که او وارد امتحان شد پس چگونه امتحانش لغو می شود؟

بدان، خدا تو را به معرفت حق و ثبات بر آن همواره مؤید سازد که، هر عالمی دارای امتحان است و همه خلق به طور مساوی و بر اساس توانایی خود در گذراندن این امتحان وارد می شوند، تا عدالت الهی تحقق یابد. پس مثلاً همه خلق بر سرشت شناخت الهی آفریده شده اند و همه به حال گذشته خویش که به آن رسیده بودند دچار فراموشی شده اند و نیز نسبت به حالی که در این عالم به آن دست پیدا کردند بی اطلاع می باشند، پس هر کس مانند محمد و آل محمد رستگار شود برای او فضل است، و هر کس مانند یزید و معاویه و امثال آنان دچار خسارت شود، مستوجب عذاب می باشد، و اگر امر چنین نبود برای محمد فضیلتی نبود، و یزید (لع) مستوجب عذاب نمی شد؛ زیرا - به اختصار - امتحان غیر عادلانه بود.

و همچنین از ایشان علیه السلام پرسیده شد: آیا امام از آل محمد فقط یک بار در عالم رجعت باز می‌گردد یا ممکن است بیش از یک بار رجعت کند همانگونه که در این عالم برای بعضی ائمه از آل محمد حاصل گشت؟

ایشان علیه السلام پاسخ فرمودند: (امر از آن خداوند است).

سپس فیض بن ابی شیبه روایت می‌کند و می‌گوید: (شنیدم حضرت صادق علیه السلام در تلاوت این آیه فرمود: ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ...﴾ سپس فرمود: تمام پیغمبران به رسول اکرم ایمان می‌آورند و علی علیه السلام را یاری می‌نمایند و بعد فرمود: آری، و خداوند از زمان آدم تا پیغمبر خاتم هر پیغمبری را که مبعوث گردانید دوباره به دنیا بر می‌گرداند، تا در رکاب امیر المؤمنین علیه السلام جهاد کنند). (۱۰۳)

و در این باره از سید احمد الحسن علیه السلام سؤال شد: آیا پیامبران با همان ترتیبی که در دنیا بودند، رجعت خواهند کرد؟ و منظور از پیکار آنان در رکاب امام علی علیه السلام چیست؟ مثلاً آیا همه آنان در یک مرحله هستند؟

ایشان علیه السلام فرمودند: (پیکار و مبارزه در رکاب علی علیه السلام، همان پیکار و مبارزه در رکاب حقی است که علی علیه السلام و فرزندان علی علیه السلام، ائمه معصومین که آنها نماینده حق و راه و روش آن هستند، می‌باشد، و در نهایت، مانعی وجود ندارد که انبیاء در دوران های مختلف رجعت حضور یابند، و نیز مانعی نیست که اگر بعضی از آنان در رکاب حجتی از حجت های آل محمد قرار گیرند).

و نیز از ایشان علیه السلام سؤال شد: آیا انصار خلفای خدا برای نصرت و یاری همان خلفایی باز می‌گردند که در این عالم یاریشان دادند؟ یا ممکن است خلیفه دیگری در رجعت را یاری دهند؟

ایشان علیه السلام فرمودند: (آن امتحانی دیگر است، و تنظیم و ترتیب افرادی که رجعت می‌کنند به دست خداوند بلند مرتبه می‌باشد، پس ممکن است فردی به همراه همان حجت باز گردد و ممکن است به همراه حجت دیگر باز گردد).

۱۵) و همچنان در مورد رجعت سؤالاتی باقی ماندند:

آنچه تقدیم شد پاسخ‌هایی از سید احمد الحسن علیه السلام به بسیاری از سؤالات عظیم در مورد رجعت بود، و کسی جز ایشان حقیقت این امر را نمی‌داند، بعد از اینکه جهل علماء در بیان معنای رجعت جدا از جزئیات مرتبط با آن را دیدیم.

و با تأکید، پرسش‌های بسیاری باقی ماندند که پاسخ آنها نزد مؤمنان مبهم می‌باشند، همانگونه که سؤالاتی که در این مختصر عرضه شدند را کسی جز یمانی آل محمد نمی‌تواند پاسخ دهد، و همچنین سؤالاتی دیگر در باب رجعت و یا مسائل عظیم دیگر که عقول رجال در آنها متحیر گشته‌اند که ممکن است مطرح شوند، نیز کسی جز ایشان نمی‌تواند پاسخ دهد.

سپس به مردم می‌گویم: بعد از اینکه جزئی از علم سید احمد الحسن علیه السلام در امور عظیم، طبق فرموده آل محمد برایتان ثابت شد، و بی‌نیازی ایشان نسبت به آنچه که در دست‌هایتان و آنچه که علمایتان فهمیدند ثابت گشت، بلکه حاجت و نیاز علمایتان به ایشان آشکار گشت، پس آیا این دلیل کافی در تصدیق رسالت الهی ایشان که شما را به آن فرا می‌خواند، و شناختن نسبت به ایشان به عنوان وصی پدرش امام مهدی و فرستاده اش به سوی مردم، و نیز قائم منتظر و یمانی موعود، نیست؟! تدبر کنید، خدا شما را هدایت کند.

والحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد و المهدیین و سلم تسلیماً

فهرست کتاب

- ۵.....نزمینه سائری
- ۷.....مرجعت چیست؟
- ۸.....علمای شیعه مرجعت را چگونه فهمیدند؟
- ۱۳.....آیا بین روایات مرجعت و روایات مهدین، تعارض وجود دارد؟
- ۱۵.....پرسش هایی در مورد مرجعت که قائم علیه السلام به آنها پاسخ دادند
- ۱۷.....(۱) مرجعت مروزی اثر مروزی های خداست
- ۱۹.....(۲) مرجعت، امتحانی دیگر
- ۱۹.....مرجعت عالمی است که دامرای قوانین خاص خود می باشد
- ۲۳.....(۳) مرجعت، مروزی که خداوند در آن، فرستادگانش را پیروزی می گرداند
- ۲۵.....(۴) در مرجعت، معرفت عالی تحقق می یابد (هدف خلقت)
- ۲۷.....(۵) مرجعت در آسمان نخست می باشد
- ۳۱.....(۶) نزمینی که مرجعت بر آن تحقق می یابد
- ۳۲.....(۷) مرجعت یکی از عوامل قوس نزول است
- ۳۵.....(۸) مرجعت عالمی است که افراد در آن بانر می گردند
- ۳۶.....(۹) مرجعت عالمی است که در آن نرمان وجود ندارد
- ۳۶.....(۱۰) اعتقاد به مرجعت و مهدین علیهم السلام
- ۳۸.....(۱۱) برای مرجعت مروزی معلوم، مانند این عالم خواهد بود
- ۴۲.....(۱۲) مرجعت دو مرجعت است

مرجعت سومین مروز انروزهای بنرگ خدا ۵۷

۱۳) جنیده نزمین (دابة الأمراض) دمر مرجعت و دمر این عالم ۴۵

۱۴) مرجعت خلفای الهی و شیعیانشان ۴۸

۱۵) و همچنان دمر مومرد مرجعت سؤالاتی باقی ماندند ۵۳

فهرست کتاب ۵۶